

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینة ایران

بهرام رحمانی
۳۰ نومبر ۲۰۲۰

نیسان آبی جمهوری اسلامی ایران را لرزاند!

جمهوری اسلامی ایران پایه‌های حاکمیت خود را با ترور و وحشت و اعدام و تبهکاری بنا کرد و به همین دلیل نیز این حکومت همواره با تروریسم رقیبش مواجه است. طبیعیست که ترور «محسن فخری‌زاده» را نیز در این جهت مورد بررسی قرار داد.

رسانه‌های ایران گزارش دادند که «محسن فخری‌زاده» از دانشمندان موثر و رده بالای حوزه تحقیقات علمی در ایران در اطراف تهران کشته شد و واکنش گسترده مقامات عالی‌رتبه ایران را در پی داشت.



روایت‌ها از این عملیات پیچیده بسیار مختلف و متناقض است. عملیات ترور با یک تیم ۱۲ نفره اجرا می‌شود. هیچ‌یک از تروریست‌ها دستگیر یا کشته نمی‌شوند! مجروحین به درمانگاه آب‌سرد منتقل می‌شوند. اما برق درمانگاه قطع است! برق منطقه از نیم‌ساعت قبل قطع شده و تمام دوربین‌ها خاموش بوده! و هیچ فیلمی ضبط نشده! یک تیم ۱۲ نفره عملیاتی حداقل ۵۰ نفر پشتیبانی لازم دارد. چگونه یک «گروهان تروریستی» در پایتخت با تمام تجهیزات عملیات کردند؟! و...

باشگاه خبرنگاران جوان وابسته به صداوسیما در خبر کوتاهی که در این زمینه منتشر کرده، از فخری‌زاده به عنوان «یکی از دانشمندان موثر و رده‌بالای حوزه تحقیقات علمی» نام برده و نوشته است پس از وقوع حادثه تلاش‌ها برای احیای او به نتیجه نرسیده است.

بر اساس این گزارش، او تنها دانشمندی بود که نتانیا هو در یک برنامه از او نام برده بود. رسانه‌های اسرائیلی اعلام کرده بودند که نام این دانشمند از طریق لیست‌های سازمان ملل به دست موساد رسیده بود.

خبرگزاری رویترز در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۱ با نام بردن از این دانشمند ایرانی با عنوان «مرد مرموز» گزارش داد که کارشناسان هسته‌ای غربی، این فرد نظامی که در مرکز فعالیت‌های مناقشه‌برانگیز اتمی ایران قرار دارد، تحت تدابیر شدید امنیتی و مخفیانه زندگی می‌کند تا از او را در برابر کشته شدن محافظت کند.

حادثه ساعت دو و نیم بعد از ظهر در جاده «آبسرد» دماوند روی داد و تیم ترور، ابتدا یک انفجار در مسیر حرکت اتومبیل وی ایجاد کردند و سپس اتومبیل او را به رگبار مسلسل بستند. محسن فخری‌زاده که در این عملیات کشته شد رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع بود و گفته می‌شود در جریان درگیری تیم حفاظت وی با تروریست‌ها ۳ تا ۴ محافظ وی نیز کشته شدند.

خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران می‌گوید که تیراندازی به سمت خودروی محسن فخری‌زاده، دانشمند هسته‌ای جمهوری اسلامی، با استفاده از «سلاح‌های خودکار» صورت گرفته و «هیچ عامل انسانی در محل ترور حضور نداشته است.»

خبرگزاری فارس در روایت تازه‌ای از حادثه روز هفتم آذر و کشتن فخری‌زاده، گفته که «ماشین ضدگلوله» حامل او و همسرش همراه با «سه ماشین تیم حفاظت» از شهر رستم‌کلای مازندران به سمت آبسرد دماوند حرکت کرده بود که «ماشین پیشرو تیم حفاظت چند کیلومتر مانده به محل حادثه، اسکورت را برای چک و خنثی محل مقصد ترک می‌کند.»

به گزارش روز یکشنبه ۹ آذر این خبرگزاری، «در همین لحظات صدای ناشی از اصابت چند گلوله به ماشین موجب جلب توجه دکتر فخری‌زاده و متوقف کردن ماشین می‌شود.»

بر اساس این روایت، «فخری‌زاده به تصور این‌که صدا ناشی از برخورد با مانع خارجی یا اشکال در موتور خودرو بوده از ماشین پیاده می‌شود. در همین لحظه از خودرو نیسانی که در فاصله ۱۵۰ متری ماشین او متوقف بوده، از یک دستگاه تیربار اتوماتیک کنترل از راه دور، شلیک‌های متعددی به سمت شهید صورت می‌گیرد.»

خبرگزاری فارس می‌گوید که «دو گلوله به پهلو و یک گلوله به پشت فخری‌زاده برخورد می‌کند که منجر به قطع نخاع وی می‌گردد» و در این فاصله «سرتیم حفاظت بدن خود را حائل پیکر» فخری‌زاده می‌کند «و چند تیر نیز به بدن وی اصابت می‌کند. لحظاتی بعد همان نیسان متوقف شده نیز منفجر می‌شود.»

بر اساس این گزارش، در بررسی هویت مالک خودروی نیسان مشخص شده که او «روز ۸ آبان از کشور خارج شده است.»

خبرگزاری فارس افزوده که کل این عملیات «سه دقیقه» طول کشیده و «هیچ عامل انسانی در محل ترور حضور نداشته و تیراندازی‌ها تنها توسط سلاح خودکار انجام شده است.»

روایت جدید این خبرگزاری نزدیک به سپاه در حالی است که رسانه‌های حکومتی از جمله خبرگزاری فارس در ساعات اولیه این حادثه گزارش داده بودند که در جریان تبادل تیراندازی بین محافظان و عوامل عملیات، «سه یا چهار نفر از تروریست‌ها» کشته شدند.

آن‌ها همچنین از «زخمی شدن چند نفر از نزدیکان» فخری‌زاده خبر داده بودند ولی در گزارش روز یکشنبه خبرگزاری فارس اشاره شده که فقط محافظ این دانشمند هسته‌ای جمهوری اسلامی «مجروح شده است.» با این حال گزارش‌های ضدونقیضی درباره وضعیت سلامتی او منتشر شده است.

فارس در پایان می‌نویسد که ترور موفق فخری‌زاده در حالی بود که «در سال‌های اخیر بارها عملیات‌های تروریستی علیه وی کشف و خنثی شده بود.»



اکنون وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در حالی مدعی شناسایی «سرنخ‌های» این ترور است که ترور فخری‌زاده بیش از همیشه وجود حفره‌های اطلاعاتی و امنیتی در جمهوری اسلامی را نمایان کرده است. گفته می‌شود فخری‌زاده عضو سپاه پاسداران و پدر هسته‌های نظامی جمهوری اسلامی بود. پس از چند بار تائید و تکذیب (از جمله توسط کمالوندی سخنگوی دروغگوی سازمان انرژی اتمی مبنی بر این که کلیه دانشمندان صنعت هسته‌ای کشور در سلامت کامل به سر می‌برند و برای هیچ کدام آن‌ها حادثه‌ای پیش نیامده است!) وزارت دفاع جمهوری اسلامی بیانیه‌ای صادر و اعلام کرد «محسن فخری‌زاده» دانشمند هسته‌ای ایران قربانی یک اقدام تروریستی شد.

جدال امنیتی ایران و اسرائیل موضوع پنهانی نیست، با این حال اسرائیل هرگز به طور رسمی زیر بار هیچ یک از موارد خرابکاری در ایران نرفته است.

شاید تنها موردی که در سال‌های اخیر اسرائیل مسئولیت آن را به عهده گرفته سرقت «اسناد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران» از مرکزی در تهران بود.

برخی از مقامات جمهوری اسلامی نیز کشتن فخری‌زاده را به اسرائیل نسبت داده‌اند، از جمله محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی که با انتشار توثیقی اعلام کرد «این عمل بزدلانه با نشانه‌های جدی نقش اسرائیلی‌ها نشان‌دهنده جنگ‌افروزی جنایت‌کاران است.»

در حالی که روحانی در واکنش به ترور محسن فخری‌زاده، پاسخ به آن را به «موقع مناسب» موکول کرد و گفت که جمهوری اسلامی در دام توطئه نمی‌افتد، خامنه‌ای خواستار مجازات عاملان و آمران این ترور شد.

روحانی گفت: مسئولین کشور شجاع‌تر از این هستند که این جنایت را بی‌پاسخ بگذارند؛ در موقع مناسب، مسئولین مربوطه پاسخ این جنایت را خواهند داد.

از سوی دیگر خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز در واکنش به ترور فخری‌زاده گفت که عاملان و آمران این ترور باید مجازات شوند.

خامنه‌ای همچنین خواستار ادامه برنامه‌های موشکی و اتمی جمهوری اسلامی شد و گفت: دو موضوع مهم را همه‌دست‌اندرکاران باید به جد در دستور کار قرار دهند، نخست پیگیری این جنایت و مجازات قطعی عاملان و آمران آن، و دیگر پیگیری تلاش علمی و فنی شهید در هم‌بخش‌هایی که وی بدان‌ها اشتغال داشت.

تروریست‌های سپاه پاسداران در عراق از جمله حزب‌الله عراق هم گفتند: «محور شرارت صهیونیستی-امریکائی-سعودی باید هزینه گزافی بابت ترور فخری‌زاده بدهد.»

نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل نیز با ارسال نامه‌ای به شورای امنیت، اسرائیل را مسؤول ترور فخری‌زاده معرفی کرد و نسبت به «اقدامات گستاخانه» آمریکا و اسرائیل به خصوص در دوران باقیمانده از ریاست جمهوری ترمپ هشدار داد.

حکومت ایران هفته پیش اعلام کرد که غنی‌سازی اورانیوم را به سطح بیست درصد بالا می‌برد و همچنین بر خلاف تعهدات پیشین خود، سانتریفیوژهای نسل جدید را به کار می‌اندازد که اورانیوم را با سرعت ده‌ها برابر غنی می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر سوءقصد به جان دست‌کم پنج نفر را که همگی دانشمندان اتمی توصیف گردیدند انتشار داد و همه این موارد را به اسرائیل نسبت داد.

جمهوری اسلامی که از یافتن عاملان واقعی این سوءقصدها عاجز مانده بود، چند تن افراد را بازداشت کرد و ضمن شکنجه آن‌ها را ناچار ساخت مسئولیت اجرای این قتل‌ها را به عهده بگیرند. ولی اکثر این افراد ناپدید شدند و خبری از سرنوشت آن‌ها در دست نیست.

پاسدار حسین دهقان وزیر دفاع پیشین جمهوری اسلامی، که اکنون مشاور علی خامنه‌ای در امور جنگی است، در واکنشی تهدید کرد که جمهوری اسلامی ایران قاطعانه از اسرائیل انتقام خواهد گرفت.

دهقان که به طور رسمی خود را برای احراز مقام ریاست جمهوری نامزد کرده است، در پیام توئیتری خود نوشت که انتقام از اسرائیل سخت و دردناک خواهد بود.

دهقان در پیام توئیتری خود نوشت: «صهیونیست‌ها می‌کوشند فشار حداکثری بر ایران را شدت بخشند و یک جنگ تمام عیار به راه اندازند، ولی واکنش ایران به شیوه‌ای خواهد بود که آن‌ها را از کرده خود پشیمان خواهد ساخت.» نشریه انگلیسی ساندی تایمز در فروردین ۸۷ با اشاره به اسنادی که ادعا می‌کرد، از یک دستگاه لپ‌تاپ ایرانی‌ها به دست آمده، فخری‌زاده را «یک افسر سپاه پاسداران و استاد دانشگاه امام حسین تهران» و «پدر برنامه هسته‌ای نظامی ایران» معرفی کرده و مدعی شد: «سرویس‌های اطلاعاتی غرب معتقدند ایران در صدد تولید یک کلاهک هسته‌ای با توان نابودسازی هر شهری در خاورمیانه است که مسئولیت این برنامه بر عهده محسن فخری‌زاده مهابادی، مدرس فزیک دانشگاه امام حسین تهران قرار دارد و از این رو می‌توان وی را پدر تولید کلاهک اتمی ایران نامید.»

تمام دانشمندان اتمی ایران که در سال‌های اخیر ترور شده‌اند در ردیف فعالین تروریسم دولتی جمهوری اسلامی قرار داشتند و آن هم در سطح بسیار بالاتر.

ترور دانشمندان اتمی و هم درباره ترور فرمانده سپاه قدس «قاسم سلیمانی»، انفجار سایت اتمی نطنز و یا حتی آتش سوزی‌های ادامه‌دار یک سال اخیر، بدون لحظه‌ای درنگ انگشت نشان‌دهنده این واقعیت هستند که نفوذ شبکه‌های اطلاعاتی اسرائیل و آمریکا و حتی دیگر کشورها در مهم‌ترین و محرمانه‌ترین نهادهای جمهوری اسلامی است.

برای نمونه خبرگزاری مهر خبر داد کایلی مور گیلبرت، تبعه بریتانیایی-استرالیایی به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی ایران» و «جاسوسی» به ده سال زندان محکوم شده و بیش از دو سال است که در ایران محبوس است، با یک سه تبعه ایرانی مبادله شده است.

خبرگزاری صداوسیما نوشته کایلی گیلبرت با «یک فعال اقتصادی و دو شهروند ایران» مبادله شده است. این خبرگزاری نوشته این سه ایرانی «به اتهامات واهی، در خارج از کشور بازداشت شده بودند.»

اسامی ایرانیانی که با کابلی گیلبرت مبادله شده‌اند، سعید مرادی، محمد خزائی و مسعود صداقت‌زاده اعلام شده است.

این سه نفر از سال ۱۳۹۰-۲۰۱۲) در تایلند زندانی بودند. بنابراین گزارش‌ها، آن‌ها پس از تلاشی نافرجام برای ترور دیپلمات‌های اسرائیلی بازداشت شده بودند.

در گزارش‌های مربوط به زمان حادثه (سال ۲۰۱۲) آمده بود که این سه نفر قصد داشته‌اند با تشکیل «یک تیم تروریستی» دیپلمات‌های اسرائیلی، از جمله سفیر اسرائیل در بانکوک را ترور کنند.

وزرای امور خارجه استرالیا و بریتانیا از آزادی کابلی مور گیلبرت، پژوهش‌گر استرالیایی-بریتانیایی که تابستان ۱۳۹۷ به دعوت دانشگاه الزهرا و دانشگاه ادیان و مذاهب قم برای شرکت در هفتمین کنفرانس بین‌المللی شیعه‌شناسی به ایران سفر کرده بود استقبال کردند.

آن‌ها از معامله خود با دولتی که سیاست رسمی‌اش گروگان‌گیری و باج‌خواهی به سبک آدم‌رباها و تروریست‌ها و گانگسترهاست خوشحال به نظر می‌رسند. سه تروریست را آزاد کردند و در مقابل یک پژوهشگر بی‌گناه را پس گرفتند.

سال گذشته نیز ترامپ مبادله دو زندانی ایرانی و امریکائی را «تبادل گروگان» خوانده و از ایران به خاطر «مذاکره‌ای بسیار منصفانه» که به آزادی این دو نفر منجر شد، تشکر کرد. او پا را فراتر گذاشته و گفت: «دیدیم، ما می‌توانیم با هم به توافق برسیم.»



۱۱ مارس ۱۹۹۴ یک تیم تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی تلاش کرد که سفارت جدید اسرائیل در بانکوک را منفجر کند. قسمت اول طرح به خوبی پیش رفت. تروریست‌ها یک کامیون شش چرخ همراه با راننده اجاره کردند. جانپان به منظور صحنه‌پردازی، راننده را بعد از ضرب و شتم خفه کرده و جسم بی‌جان او را در یک ظرف استوانه‌ای بزرگ در عقب کامیون گذاشته و با یک تن مواد منفجره حاوی کود شیمیایی و نیترات آمونیوم پوشاندند. یک تروریست، کامیون حاوی بمب را حوالی ظهر به سمت سفارت اسرائیل راند. در فاصله ۳۰۰ متری سفارت اسرائیل در یک تقاطع شلوغ راننده کامیون از پشت با یک موتورسیکلت تصادف می‌کند. این فرد در حالی که تلاش می‌کند بگریزد با راکب موتورسیکلت درگیر می‌شود، اما از چنگ او می‌گریزد. یک شاهد عینی شهادت می‌دهد که راننده فراری وارد دفتر امور مذهبی سفارت جمهوری اسلامی در بانکوک می‌شود. با این حال پلیس هیچ‌گاه سرنخی را که او داده بود دنبال نکرد.

عاقبت یک ایرانی به نام حسین شهریاری فر در جنوب تایلند دستگیر شد. راکب موتورسیکلت و کارمندان یک شرکت که به او کمک کرده بودند، شهادت دادند که حسین شهریاری فر راننده فراری کامیون بوده است. او که انکار را بی‌فایده می‌دید، در دادگاه داستان محیرالعقولی را تولید کرده و مدعی شد دارای برادر دوقلوی شروری است که احتمال دارد مرتکب چنین جنایتی شده باشد!

شهریاری فر در دادگاه به اعدام محکوم شد و تقاضای استیناف او دوبار رد شد. عاقبت در ۱۹ فوریه ۱۹۹۸ در اثر فشارهای سفارت جمهوری اسلامی در بانکوک و تهدید دولت خاتمی، دیوان عالی کشور تایلند به بهانه محکم نبودن شهادت شهود، رأی به بیگناهی شهریاری فر داد. یک روز قبل از صدور رأی دیوان عالی کشور تایلند، سفیر جمهوری اسلامی در بانکوک با صدور یک اطلاعیه هشدار داد در صورتی که شهریاری فر آزاد نشود، مشکلات جدی به وجود خواهد آمد. کمال خرازی شخصاً در این رابطه اقدام کرد. پیش از صدور رأی دیوان عالی کشور نیز دولت تایلند تمایلی به پیگیری پرونده و روشن کردن ابعاد این اقدام تروریستی نداشت.

هنگام دستگیری تروریست‌های بمب‌گذار در تایلند، رامین مهمان‌پرست سخنگوی وزارت خارجه دولت احمدی‌نژاد، نقش وکیل مدافع آن‌ها را به عهده داشت و از بیان هیچ دروغی ابا نمی‌کرد. معاملات پشت‌پرده برای آزادی تروریست‌ها را جواد ظریف و معاونش عراقچی دنبال می‌کردند و این عراقچی بود که برای استقبال از تروریست‌ها به فرودگاه رفت و مقدم آن‌ها را همچون قهرمانان گرامی داشت.

استقبال رسمی مقامات وزارت خارجه از تروریست‌های آزاد شده، ادامه سیاست رسمی جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته است. دولت‌ها تغییر می‌کنند، اما سیاست حمایت از تروریست‌ها تغییر نمی‌کند. از دولت موسوی و رفسنجانی گرفته تا خاتمی و احمدی‌نژاد و روحانی در بر یک پاشنه می‌چرخد.

استقبال رسمی از انیس نقاش، عامل ترور اول و ناموفق شاپور بختیار، اگرچه در دولت رفسنجانی صورت گرفت، اما مقدمات کار از دوران میرحسین موسوی کلید خورده بود.

در آذرماه ۱۳۸۶ وقتی کاظم دارابی، تروریستی که در پرونده میکونوس محکوم شده بود، پس از تحمل ۱۵ سال حبس آزاد شد و به ایران بازگشت، علی باقری از نزدیکان خامنه‌ای که سرپرستی معاونت اروپای وزارت خارجه را به عهده داشت به استقبال او رفت.

در آذر ۱۳۸۹ هنگامی که علی وکیلی راد قاتل بختیار آزاد شد، کاظم جلالی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس که از نزدیکان علی لاریجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی بود، به استقبال رسمی او رفت و از وکیلی راد به عنوان «اسوه مقاومت» و «قهرمان» یاد کرد و ادعا نمود که با او «بدون ارتکاب جرمی به وحشیانه‌ترین شکل» ممکن رفتار شده است. جلالی امروز سفیر جمهوری اسلامی در مسکو است.

در صف استقبال‌کنندگان از قاتل زنده‌یاد بختیار، حسن قشقاوی، معاون کنسولی وزیر امور خارجه و سفیر سابق جمهوری اسلامی در استکهلم حضور داشت و به گردن قاتل گل انداختند.

قشقاوی در مراسم استقبال از شهرام امیری، متخصص هسته‌ای که به امریکا گریخته بود، نیز حضور داشت؛ امیری را نیز همچون قهرمان مورد استقبال قرار دادند و سپس با بیرحمی پس از شکنجه و آزار و اذیت بسیار اعدام کردند.

ترور محسن فخری‌زاده مهابادی، رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران بازتاب گسترده‌ای در بسیاری از نشریه‌های جهان داشته است.

روزنامه تایمز چاپ لندن نوشته است که یک عضو سپاه پاسداران که از او با عنوان پدر برنامه اتمی ایران نام برده می‌شود در نزدیکی تهران ترور شده است.

این روزنامه می‌نویسد که تا کنون هیچ سازمان یا کشوری مسؤلیت این ترور را برعهده نگرفته اما کشتن وی همزمان با افزایش تنش بین ایران و کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی و در هفته‌های پایانی زمامداری دونالد ترامپ در امریکا روی داده است.

روزنامه بریتانیایی گاردین در گزارشی نوشته است که حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران گفته که انتقام کشتن محسن فخری‌زاده را خواهد گرفت. این روزنامه این نظر را بازگو کرده است که ممکن است دلیل کشتن ترور فخری‌زاده تلاشی برای وادار کردن ایران به واکنش تند باشد تا جو بایدن را در اجرای برنامه معامله با جمهوری اسلامی ایران در موضع دشوارتری قرار دهد.

گاردین به نقل از ایموس یالدین، رئیس سابق سازمان اطلاعات ارتش اسرائیل نوشته است: «با فرصت زمانی باقی مانده برای ترامپ، این حرکت می‌تواند به واکنش خشونت آمیزی منجر شود و بهانه‌ای را برای حمله به رهبری امریکا به تاسیسات اتمی ایران فراهم کند.»

شبکه تلویزیونی اسکای نیوز در گزارش ترور محسن فخری‌زاده گفته است که رهبر ایران خواستار مجازات عاملان شده و رئیس جمهوری ایران اسرائیل را به این اقدام متهم کرده است. این شبکه اظهارات حسین دهقان، مشاور رهبر ایران را یادآور شده که گفته است که اسرائیل در روزهای پایانی زمامداری دونالد ترامپ می‌خواهد ایران را به یک جنگ تمام عیار بکشاند.

نشریه بریتانیایی اسپکتاتور هم موضوع ترور محسن فخری‌زاده را به روزهای پایانی زمامداری دونالد ترامپ و ایجاد مشکل برای او در معامله مورد نظر جو بایدن با حکومت ایران مرتبط دانسته و نوشته است «هرکسی که ضربه را وارد کرده باشد مطمئناً آن را با نظر مساعد ترامپ انجام داده است.» این نشریه می‌افزاید که «بار دیگر، ترامپ می‌خواهد اثری از خود در خاورمیانه باقی بگذارد که پاک کردن آن برای بایدن دشوار باشد.»

اسپکتاتور می‌نویسد: «چنین اقدامی بدون سابقه نیست و اوپاما، کلینتون، ریگان (رئیس‌ان جمهوری پیشین امریکا) همگی در نفس‌های آخر حکومت خود کوشیدند منطقه را به صورت دل‌خواه خود شکل دهند اما هیچ‌کدام مانند ترامپ مبارزه‌جو یا طرفدار اسرائیل نبودند.»

نشریه امریکائی واشنگتن پست واکنش مقامات جمهوری اسلامی ایران از جمله حسن روحانی و آیت‌الله خامنه‌ای به این واقعه را منعکس کرده و گفته است همه رهبران حکومت اسلامی ایران، اسرائیل و دولت کنونی امریکا را مسؤول معرفی کرده‌اند.

روزنامه امریکائی نیویورک تایمز در گزارشی در این مورد گفته است که محسن فخری‌زاده، که ظاهراً ۵۹ ساله بود، محرکه اصلی برنامه تسلیحات اتمی ایران برای دو دهه محسوب می‌شد و پس از آنکه بخش اصلی این برنامه در اوایل دهه ۲۰۰۰ بی‌سر و صدا کنار گذاشته شد، همچنان در این بخش فعالیت داشت. این روزنامه منبع اطلاعات خود را ارزیابی اطلاعاتی امریکا و اسناد هسته‌ای ایران ذکر کرده که توسط اسرائیل «ربوده شد.»

این روزنامه می‌افزاید که یک مقام امریکائی همراه با دو منبع اطلاعاتی دیگر گفته‌اند که اسرائیل پشت این ترور بوده اما مشخص نیست که امریکا تا چه حد در جریان این اقدام قرار گرفته بود اما این دو کشور اطلاعات خود درباره ایران را مبادله می‌کنند.

روزنامه اسرائیلی جروزالم پست در دو گزارش به این ترور پرداخته است. این روزنامه در مطلبی تحت عنوان «هشدار قدیمی بازگشته تا دیداری کند» یادآور شده است که بنیامین نتانیا هو در سال ۲۰۱۸ گفته بود که محسن فخری زاده سرپرست طرح «آمد» در ایران است و گفته بود: «این نام را برای آینده به یاد داشته باشید.» به گفته منابع غربی، آمد نام برنامه‌ای برای تولید بمب اتمی بوده است.

روزنامه اسرائیلی هآرتص نوشته ممکن است این ترور به اقدام مشترک بنیامین نتانیا هو و دونالد ترامپ برای تشدید تنش تعبیر شود

این روزنامه در گزارش دیگری اخبار مربوط به این ترور از جمله سخنان حسن روحانی را منعکس کرده که دولت کنونی امریکا و اسرائیل را به تلاش برای تخریب زمینه بهبود روابط حکومت ایران با دولت بعدی امریکا متهم کرده و افزوده است که رهبر ایران خواستار مجازات عاملان این ترور شده اما از اسرائیل نام نبرده است. روزنامه اسرائیلی هآرتص هم نوشته است که ممکن است این ترور به اقدام مشترک بنیامین نتانیا هو و دونالد ترامپ برای تشدید تنش تعبیر شود اما ایران می‌تواند به سادگی فردی را برای جانشینی محسن فخری زاده بیابد. در میان نشریه‌های منطقه، روزنامه گلف نیوز چاپ دومی خبر ترور فخری زاده را همراه با سابقه و زمینه کاری او منتشر کرده است.

روزنامه الخلیج چاپ شارجه، امارات، در گزارش مربوط به این واقعه، گفته است که «محسن فخری زاده، پژوهشگر اتمی ایران که روز جمعه در تهران ترور شد اولین پژوهشگر اتمی ایران نیست که در سال‌های اخیر ترور شده و تعداد دیگری از این افراد پیش از این کشته شده‌اند.» این روزنامه می‌نویسد که اگرچه مقامات ایرانی شواهد و مدارک مشخصی ارائه نداده‌اند اما همگی «انگشت اتهام» را به سوی ایالات متحده و اسرائیل و نهادهای اطلاعاتی آن‌ها گرفته‌اند.

روزنامه الخلیج یادآور می‌شود که کشورهای غربی حکومت ایران را به تلاش برای ساختن بمب اتمی متهم می‌کنند اما مقامات ایرانی می‌گویند که برنامه اتمی آن‌ها صلح آمیز است.

در سال‌های اخیر خرابکاری در ایران اوج گرفته و برخی گزارش‌ها، انفجار در پارچین در سال ۱۳۸۶ یکی از اولین خرابکاری‌هایی بود که به اسرائیل نسبت داده شد. اما برخی رسانه‌های امریکائی می‌گویند با دستور باراک اوباما این گونه حملات از شش سال پیش یعنی یک سال قبل از توافق هسته‌ای با این کشور متوقف شد. به نظر می‌رسد با روی کار آمدن دونالد ترامپ مجدداً این گونه عملیات‌ها از سر گرفته شده است.

در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ چهار تن از دانشمندان هسته‌ای ایران ترور شدند. جمهوری اسلامی ایران اسرائیل را مسؤول ترور مجید شهریاری، مصطفی احمدی روشن، مسعود علی محمدی و داریوش رضائی‌نژاد معرفی کرد.

در این دوران، فریدون عباسی دوانی، رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی هم مورد سوء قصد قرار گرفت که از حادثه جان سالم به در برد.

چندی پس از کشته شدن آخرین متخصص هسته‌ای ایران، دستگاه‌های امنیتی و قضائی ایران اعلام کردند مقصران این قتل‌ها که وابسته به اسرائیل بودند، دستگیر شده‌اند. صدا و سیمای ایران، هم در مستندی به نام «کلوب ترور»، اعترافات ۱۲ متهم این پرونده را پخش کرد که بعدتر مشخص شد، زیر فشار و غیر واقعی بوده است.

روشن برگمن، روزنامه‌نگار در امور نظامی-امنیتی در اسرائیل که بیش از یک دهه با دقت عملیات‌های اسرائیل در ایران را دنبال کرده است، اسرائیل را پشت این ترورها می‌داند.

برخی خبرگزاری‌های امریکائی به نقل از مقامات این کشور گزارش داده بودند که این ترورها با حمایت اسرائیل و توسط نیروهای سازمان مجاهدین انجام شده است.

فرد دیگری که منابع ایرانی معمولاً در فهرست دانشمندان هسته‌ای «شهید» ذکر می‌کنند، داریوش رضائی‌نژاد نام دارد که دانشجوی رشته برق بود و در مرداد ۱۳۹۰ به ضرب گلوله در تهران به قتل رسید.

استاکس‌نت یک بدافزار ساخت دولت‌های امریکا و اسرائیل بود که در سال ۱۳۸۹ با آن به تاسیسات هسته‌ای ایران و به طور ویژه نیروگاه بوشهر حمله شد.

بنابر گزارش مفصلی که سال گذشته وبسایت خبری «یاهو نیوز» منتشر کرد هدف این عملیات موسوم به «بازی‌های المپیک» نه تخریب برنامه اتمی ایران بلکه ضربه زدن به آن برای خریداری زمان و به نتیجه رسیدن تلاش‌های دیپلماتیک بود.

ادوارد اسنودن، کارمند سابق سازمان اطلاعات مرکزی امریکا که اسنادی زیادی را در رابطه با فعالیت‌های اطلاعاتی امریکا افشا کرده است، در مصاحبه‌ای با اسپیکل گفته بود این بدافزار با همکاری مشترک آژانس امنیت ملی ایالات متحده امریکا و اسرائیل ساخته شده است.

مقام‌های ایران بعدها اعلام کردند این ویروس در نهایت نتوانست ضربه‌ای به ساختارهای اتمی وارد کند.

در مستند روز صفر، مایکل هیدن، رئیس سابق سیا نیز این موضوع را تأکید کرده است.

کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اما در آن زمان از آلوده‌ی معیوب‌شدن شمار قابل اعتنائی از سانتریفیوژهای تاسیسات نطنز و اخلاص محسوس در روند غنی‌سازی اورانیوم گزارش دادند.

چند ماه بعد از کشف استاکس‌نت یک وبسایت اسرائیلی گفت که ایران ممکن است چندین کارگر نطنز را دستگیر و اعدام کرده باشد با این گمان که به آلوده کردن دستگاه‌ها به استاکس‌نت کمک کرده باشند.

مقامات سپاه پاسداران ایران از تهرانی مقدم به عنوان بنیان‌گذار قدرت موشکی سپاه یاد می‌کنند در ۲۱ آبان ۱۳۹۰ انفجاری بزرگ در زاغه مهمات سپاه پاسداران در شهرستان ملارد به کشته شدن دست‌کم ۱۷ نفر از جمله حسن تهرانی مقدم، رئیس سازمان جهاد خودکفائی سپاه منجر شد.

به گفته مقام‌های ارشد سپاه حسن تهرانی مقدم از پیشگامان و مهره‌های کلیدی در توسعه برنامه موشکی ایران بود.

این انفجار به قدری بزرگ بود که صدا و لرزش آن در بیش‌تر نقاط تهران احساس شد.

پس از این انفجار مسؤولان ایران حادثه را «تصادف» خواندند و امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، احتمال نقش داشتن اسرائیل در این انفجار را رد کرد.

با این حال، دو روز بعد از حادثه مجله امریکائی تایم به نقل از یک منبع امنیتی غربی مدعی شد که موساد، سازمان اطلاعات خارجی اسرائیل، در این حادثه نقش داشته است. این منبع اضافه کرده بود که «نباید ادعاهای حکومت ایران مبنی بر تصادفی بودن این انفجار را باور کرد.»

این مقام امنیتی گفته بود «اقدامات خرابکارانه دیگری برای ضربه زدن به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران طراحی شده و به اجرا درخواهند آمد.»

سال ۱۳۹۵ هم رشته آتش‌سوزی‌های گسترده در صنایع پتروشیمی ایران ظن حملات سایبری را افزایش داد؛ هرچند هیچ‌گاه رسماً تأیید نشد. مقام‌های ایران دلیل آن حوادث را فرسوده بودن تاسیسات و گرمای هوا اعلام کردند.

تیر ماه سال ۱۳۹۵ پس از آنکه مجتمع پتروشیمی بندر ماهشهر نیز دچار آتش‌سوزی شد، خبرگزاری تسنیم اعلام کرد که آتش‌سوزی پتروشیمی بیستون، نهمین آتش‌سوزی صنعت پتروشیمی در آن سال بود.

در آن زمان غلامرضا جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشف «ویروس‌های غیرفعال» در چند مجتمع پتروشیمی را تأیید کرد. خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران هم در گزارشی از احتمال دست داشتن امریکا و اسرائیل در این آتش‌سوزی‌ها خبر داد.

خبرگزاری‌های داخلی در ایران اما بعدتر نام ۱۵ واحد پتروشیمی را منتشر کردند که در فاصله فروردین تا شهریور ۱۳۹۵ دچار حریق شده بودند. به نوشته سایت مشرق ظرف ۱۸۰ روز، ۱۵ حادثه در صنعت پتروشیمی ایران رخ داد که به طور متوسط یعنی هر ۱۲ روز یک حادثه.

برخی شبکه‌های نزدیک به کشورهای عربی این حوادث را به گروه‌های مخالف عرب در ایران نسبت دادند. اما همزمان گمانه‌زنی‌های قوی‌تری درباره دخالت اسرائیل در این حوادث مطرح شده بود.

پتروشیمی بوعلی سینا، مارون، بندر امام، تندگویان و ایلام از جمله واحدهائی بود که طعمه حریق شدند.

در سال ۱۳۹۷ حمید فتاحی، معاون وزیر ارتباطات و رئیس هیات مدیره شرکت ارتباطات زیرساخت در توییتری از «حملات پراکنده» به برخی زیرساخت‌های ارتباطی خبر داد و مدعی شد مبدا این حملات اسرائیل بوده است.

به گفته غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل ایران، این حملات سایبری با استفاده از نسل جدید ویروس «استاکس‌نت» به «چندین بخش» صورت گرفته بود.

محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات ایران نیز با تأیید این حملات، هدف آن را صدمه زدن به زیرساخت‌های ارتباطی اعلام کرد. او در توییتر نوشت ایران این اقدام «خصمانه» را در مجامع بین‌المللی پیگیری خواهد کرد.

چند رشته انفجار و آتش‌سوزی در تاسیسات نظامی و صنعتی ایران در دو ماه گذشته، و به طور متمرکز در دو هفته اول تیرماه ۱۳۹۹ باعث تردیدهای درباره علت تعدد این حوادث شده است.

نخستین حادثه مشکوک، سوم خرداد، در تاسیسات پتروشیمی در ساحل خلیج فارس رخ داد.

در روز پنجم تیرماه دو حادثه توجه‌ها را به خود جلب کرد:

در ساعات پایانی پنجشنبه ساکنان شرق تهران نور و صدای شدید را گزارش کردند که تا چند کیلومتر قابل مشاهده شده بود. وزارت دفاع ایران گفت این صدا مربوط به انفجار یک مخزن گاز در منطقه عمومی پارچین بوده است. اما تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌داد که محل اصلی انفجار در خجیر است، جایی که بیش از ۲۰ کیلومتر با پارچین فاصله دارد و محل استقرار چند مرکز توسعه برنامه موشکی ایران است.

درست در همان روز، آتش‌سوزی در یک پست برق در شیراز، به قطع برق بخش‌های بزرگی از این شهر منجر شد و صدای آژیر خودروهای امدادی شهروندان را نگران کرد.

اگرچه انفجار خجیر، ظن احتمالی درباره عمدی بودن آتش‌سوزی‌های سریالی یکماه پیش از آن را تقویت کرد، اما اتفاق بعد، رسماً نام اسرائیل را به عنوان عامل احتمالی این حوادث سر زبان‌ها انداخت: انفجار تاسیسات هسته‌ای نطنز.

در ۱۲ تیرماه، انفجاری در تاسیسات هسته‌ای نطنز در یکی از ساختمان‌ها و سوله‌های مرکز مونتاژ سانتریفیوژهای ایران رخ داد. روز بعد از انفجار نطنز، روزنامه امریکائی نیویورک تایمز در گزارشی مفصل به نقل از یک مقام اطلاعاتی در خاورمیانه جزئیات این حادثه را منتشر کرد و احتمال داد این «عملیات خرابکاری» کار اسرائیل باشد. ایران در روزهای نخست انفجار در نطنز اعلام کرد حادثه کوچک بوده اما تصاویر ماهواره‌ای حاکی از آسیب و خسارت زیاد به یکی از ساختمان‌های مرکز مونتاژ سانتریفیوژها در نطنز بود.

چند روز بعد اما سازمان انرژی اتمی ایران در برآورد خود اعلام کرد حادثه‌ای که در تاسیسات ساخت سانتریفیوژهای پیشرفته نطنز رخ داده «خسارت‌های مالی قابل توجهی» به جا گذاشته و ممکن است باعث کندی برنامه غنی‌سازی شود. بنابر ارزیابی‌ها برنامه هسته‌ای ایران با این عملیات یک تا دو سال به عقب افتاد.

انفجار در تاسیسات هسته‌ای نطنز نقطه پایان انفجار و آتش‌سوزی‌های سریالی نبود و دو روز بعد یعنی ۱۴ تیر ماه، دو حادثه جداگانه در دو نقطه خوزستان خبرساز شد.

ابتدا ساعت ۱۶:۴۵ دقیقه نشت کلر در پتروشیمی کارون ماهشهر ۷۰ نفر را مسموم کرد. ۴۵ دقیقه بعد دومین حادثه در نیروگاه حرارتی زرگان اهواز رخ داد. رئیس آتش‌نشانی محل، حادثه اهواز را «انفجار» خواند اما سخنگوی صنعت برق ایران آن را «آتش‌سوزی» توصیف کرد.

روزنامه نیویورکتایمز می‌گوید اسرائیل به نیابت از آمریکا این عملیات قتل هدفمند را انجام داده است؛ آمریکا برای دریافت اطلاعات از ابو محمد المصری ۱۰ میلیون دالر جایزه گذاشته بود

مرداد ماه امسال در خیابان پاسداران در شمال شهر تهران مردی به همراه یک زن با تیراندازی کشته شد. اواخر آبان ماه روزنامه نیویورک تایمز گزارش داد که فرد کشته شده ابو محمد المصری، مرد شماره دو القاعده و از مظنونان اصلی بمب‌گذاری‌های سفارت آمریکا در کنیا و تانزانیا بوده است.

یک روز پس از این اتفاق، خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از چهار مقام کنونی و سابق امریکائی نوشت که آمریکا و اسرائیل برای ردگیری و کشتن مرد شماره دو القاعده همکاری کرده بودند.

بر اساس این گزارش، آمریکا اطلاعات مربوط به محل زندگی و نام مورد استفاده المصری در تهران را در اختیار اسرائیل گذاشت و کیدون، واحدی در داخل موساد این عملیات را اجرا کرد.

ایران حضور نفر دوم القاعده در این کشور را تکذیب کرد اما کمی بعد رسانه‌های غربی به نقل از القاعده کشته شدن نفر دوم رهبری این گروه در تهران را تأیید کردند. در این حادثه مریم، دختر ۲۷ ساله المصری نیز کشته شد.

نحوه کشته شدن این پدر و دختر در رسانه‌های ایران - که نیویورک تایمز هم آن را همین‌طور روایت کرده - به این صورت بوده است که دو موتور سوار مسلح به آقای المصری و دخترش که در یک خودرو رنو ال-۹۰ بودند با یک اسلحه کمری مجهز به صدا خفه کن، پنج بار شلیک کرده‌اند. چهار گلوله به داخل خودرو رفت و گلوله پنجم به خودروئی که در مجاورت آنها بوده اصابت کرد.

بنابر گزارش‌ها، قتل المصری و دخترش همزمان با انفجارهای مرموز و «خرابکارانه» در تاسیسات اتمی نطنز و چند پایگاه نظامی دیگر در ایران روی داد.

کتاب «برخیز و اول او را بکش: تاریخ مخفی ترورهای سازمان یافته اسرائیل» کتابی است که در سال ۲۰۱۸ میلادی به قلم رونن برگمن نوشته و در سال ۱۳۹۷ در ایران از سوی هادی عبادی ترجمه شد و به چاپ رسید.

کتاب تاریخچه ترورهای مخفی موساد است و نویسنده کتاب می‌گوید که از زمان جنگ جهانی دوم، اسرائیل بیش از هر کشور غربی مردم را ترور کرده است. کتاب نمونه‌هایی از ترور مقامات انگلیسی و سوری، رهبران حماس، حزب‌الله لبنان، سازمان آزادی‌بخش فلسطین و دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را به تصویر می‌کشد.

برگمن یک خبرنگار اسرائیلی در روزنامه «یدیعوت آحارانوت» و از نویسندگان ارشد سابق بخش نظامی روزنامه «هاآرتص» است، که برای نوشتن کتاب، حدود یک هزار مصاحبه با چهره‌های سیاسی و ماموران مخفی انجام داده و از هزاران سند نیز استفاده کرده است.

در این کتاب که تاریخ پنهان ترورهای سازمان یافته حکومت اسرائیل را روایت کرده می‌نویسد: داگان در سپتامبر ۲۰۰۲ ریاست موساد را به دست گرفتند. اندکی بعد شارون او را مسؤول تلاش مخفیانه برای ممانعت از برنامه هسته‌ای ایران کرد. ایران از اواخر دهه ۹۰ میلادی منابع زیادی را برای طرح خود در جهت دستیابی هرچه سریع‌تر قابلیت هسته‌ای صرف کرده بود و تجهیزات و مهارت لازم را از هر جایی که می‌توانست خریداری می‌کرد این دو نفر برنامه هسته‌ای ایران را خطری حیاتی برای اسرائیل می‌دیدند. به داگان گفته شد هر آنچه که لازم باشد مانند پول، کارکنان و منابع بی‌پایان در اختیار او قرار می‌گیرد تا مانع دستیابی ایران به تسلیحات اتمی شود و منابع را در اختیار گرفت و کار خود را آغاز کرد. (برگمن، ۱۳۹۷، ۷۶۱)

در این کتاب که روایتی از ترورهای هدفمند حکومت اسرائیل است در ادامه به برنامه‌ای شامل ۵ مرحله برای برخورد با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده و می‌نویسد: داگان هم چنین طرحی را توسعه داده بود تا جاه‌طلبی هسته‌ای ایران را متوقف کند که تا آن زمان ثابت شده بود تا حد قابل ملاحظه‌ای نیز موفق بوده است. این طرح رویکردی ۵ شاخه‌ای بود: شامل فشار شدید دیپلماتیک، تحریم‌های اقتصادی، حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌های مخالف و کمک به آنها برای براندازی، مختل کردن انتقال تجهیزات و مواد خام برای برنامه هسته‌ای و نهایتاً عملیات مخفی شامل خرابکاری در تاسیسات و قتل‌های هدفمند چهره‌های مهم بر این برنامه. (برگمن، همان، ۸۰۰)

او در ادامه می‌نویسد: «آخرین جز طرح داگان قتل‌های هدفمند دانشمندان را خود موساد انجام داد چرا که داگان می‌دانست ایالات متحده با شرکت در این امر موافقت نمی‌کند. موساد لیستی از ۱۵ محقق مهم را به عنوان اهداف ترور تهیه کرد که بیشتر آن‌ها عضو «گروه تسلیحات» و مسؤول توسعه چاشنی‌های انفجاری برای تسلیحات بودند. (۸۰۱)

داگان در موساد باقی ماند. کمپین چند شاخه، به هم پیوسته و پیچیده علیه جمهوری اسلامی ایران همچنان در حال اجرا بود. در واقع پس از ترور مسعود علی‌محمدی در ماه ژانویه از نتانیاهو درخواست کرد مجوز تشدید این کمپین را صادر کند تا ترور ۱۳ دانشمند باقی‌مانده گروه تسلیحات ادامه یابد. نتانیاهو که نگران مسأله غامض دیگری بود اساساً عجله‌ای نداشت این وضعیت ادامه داشت تا این‌که در ماه اکتبر برای ضربه‌ای دیگر چراغ سبز نشان داد ۲۹ نوامبر ۲۰۱۰ در دو موتورسوار با چسباندن مین‌ها چسبیده به ماشین‌های دوچرخه‌ارشد پژوه پروژه هسته‌ای ایران ماشین‌های آن‌ها را منفجر و به سرعت فرار کردند. (برگمن، همان، ۸۱۹)

این کتاب در ادامه به تداوم این روند از سوی تامیر پارادو که جانشین داگان در موساد شده بود اشاره می‌کند. روایتی از ترور داریوش رضائی‌نژاد، حسن طهرانی‌مقدم و مصطفی احمدی روشن.

در ادامه روایت این روزنامه‌نگار اسرائیلی از طرح ترور محسن فخری‌زاده پرده برداشته و نوشته است: ایرانی‌ها متوجه شدند گروهی در حال ترور دانشمندان هسته‌ای آن‌ها هستند و محافظت از آن‌ها به ویژه محسن فخری‌زاده رئیس «گروه تسلیحات» که از او به عنوان مغز متفکر این پروژه یاد می‌شد را بیش‌تر کردند.

روزنامه عرب زبان رای الیوم چاپ لندن در این باره نوشت: «گروه ترور فخری‌زاده عمدتاً به بیش از یک دستگاه اطلاعاتی وابسته است که در رأس آن‌ها سیا و موساد قرار دارد؛ به این معنا که این اتفاق یک عملیات مشترک و پیچیده است که به برنامه‌ریزی و جمع‌آوری اطلاعات و فناوری بالا، سیستم‌های نظارتی، اتاق هماهنگی و پیگیری منظم و ارتباطات با تجربه بالا نیاز دارد.

روزنامه نیویورک تایمز از قول سه مقام اطلاعاتی گزارش داد که قتل محسن فخری‌زاده چهره ارشد در برنامه هسته‌ای ایران، کار اسرائیل بوده است.

ساعاتی بعد از ترور فخری‌زاده در روز جمعه ۷ آذر این روزنامه امریکائی از قول سه مقام اطلاعاتی که نامی از آن‌ها برده نشده، نوشت که اسرائیل پشت حمله به فخری‌زاده بود.

این گزارش می‌افزاید، «هنوز معلوم نیست آیا ایالات متحده از پیش در جریان این عملیات بوده یا نه، اما دو کشور مدت‌هاست که در رابطه با ایران تبادل اطلاعات می‌کنند.»

نیویورکتایمز می‌نویسد که قتل چهره ارشد در برنامه هسته‌ای ایران «تلاش جو بایدن رئیس‌جمهور منتخب امریکا برای احیای توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی را پیچیده خواهد کرد.»

ترمپ روز جمعه در واکنش به قتل فخری‌زاده تونیت یک کارشناس نظامی-امنیتی اسرائیل را هم‌رسانی کرد که گفته بود «مرگ وی ضربه‌ای حرفه‌ای و روانی بر جمهوری اسلامی است.»

چندین مقام امریکائی که از آن‌ها نیز نامی برده نشده، بدون تائید صحت و سقم طراحی این اقدام توسط اسرائیل و امریکا به نیویورک تایمز گفته‌اند چنین حادثه‌ای یک پیام روشن به همه دانشمندانی است که برنامه هسته‌ای ایران را پیش می‌برند: «اگر ما دستمان به فخری‌زاده رسید، به شما هم خواهد رسید.»

همچنین قتل این دانشمند هسته‌ای دو هفته بعد از انتشار گزارش‌هایی از کشتن ابومحمد المصری، نفر دوم القاعده، در تهران توسط ماموران اسرائیلی در مرداد ماه سال جاری اتفاق افتاده است.

خبرگزاری آسوشیتدپرس نوشته بود امریکا اطلاعات درباره مکان و هویت مرد شماره دو القاعده را به ماموران موساد داده بود.

رادیو اسرائیل گفته است: رسانه‌های حکومت ایران خبر دادند فردی به نام محسن فخری‌زاده که پدر برنامه‌های اتمی رژیم معرفی گردیده، در یک سوءقصد گستاخانه در خیابانی در تهران هدف قرار گرفته و از پای درآمده است و احتمالاً افراد دیگری نیز کشته یا زخمی شده‌اند. در جریان این رویارویی مسلحانه، یک انفجار بزرگ نیز رخ داد و محافظین فخری‌زاده به سوی مهاجمین شلیک کردند ولی نتوانستند به آن‌ها آسیب برسانند.

نام محسن فخری‌زاده به عنوان پدر برنامه‌های هسته‌ای رژیم ایران، برای نخستین بار توسط بنیامین نتانیاهو در یک همایش رسانه‌ای، به آگاهی جهانیان رسید و نتانیاهو هشدار داده گفت: «در آینده، باز هم از این فرد خواهید شنید.» رسانه‌های حکومت ایران این سوءقصد ماهرانه را به عوامل دولت اسرائیل نسبت دادند، ولی دولت اسرائیل نسبت به آن سکوت کرده است.

نام فخری‌زاده در اسنادی دیده می‌شد که از بایگانی اتمی رژیم ایران، در محله شورآباد تهران به اسرائیل آورده شد و شامل تقریباً یکصد هزار سند کتبی و عکس و گراف و سی‌دی بود.

رادیو اسرائیل ادامه می‌دهد گفته شده که یک بخش از فعالیت فخری‌زاده مصروف ساخت کلاهک اتمی برای نصب به روی موشک‌های جنگی بوده است.

کارشناسان می‌گویند که ترور او در وسط تهران، نه تنها یک شکست عملیاتی و اطلاعاتی برای رژیم است، بلکه ضربه بزرگی نیز به ادامه برنامه‌های اتمی رژیم وارد می‌آورد.

سازمان اطلاعات خارجی اسرائیل (موساد) در ژانویه ۲۰۱۸ رسماً اعلام کرد که نیم تن از اسناد هسته‌ای بایگانی شده ایران را در یک شب ربوده است. اکنون رسانه‌های امریکا پرده از راز چگونگی عملیات موساد در تهران برداشته‌اند.

رسانه‌های امریکائی از جمله نیویورک تایمز، واشنگتن‌پست و وال‌استریت ژورنال برای نخستین بار به قسمت‌های برگزیده از اسناد ربوده شده هسته‌ای موساد از تهران دسترسی پیدا کردند که بخشی از آن مربوط به ۱۵ سال گذشته می‌شود و همچنین درباره عملیات موساد نیز اطلاعات می‌دهد.

ماموران سازمان اطلاعات خارجی اسرائیل (موساد) شب ۳۱ ژانویه وارد تهران شدند. آن‌ها با ورود به یک مکان سری در تهران که شبیه به انباری متروکه بوده نفوذ کرده و اسنادی اصلی و مربوط به برنامه سلاح‌های هسته‌ای این کشور را به دست آورده و سپس آن‌ها را به اسرائیل قاچاق کرده‌اند. موساد حدود یک سال روی این برنامه کار کرده است.

بنیامین نتانیاهو بعد از این عملیات سری موساد گفت دستگاه امنیتی این کشور در عملیاتی محرمانه به ۵۵ هزار صفحه و ۵۵ هزار فایل دیجیتال که در قالب ۱۸۳ سی‌دی بوده دست پیدا کرده است. او ایران را متهم کرد که «یک آرشیو اتمی» از اسناد مربوط به برنامه هسته‌ای خود را پنهان کرده است. نتانیاهو گفت، این انبار از بیرون ساختمانی معمولی به نظر می‌رسید اما «در درون، حاوی آرشیو مخفیانه برنامه اتمی ایران در پرونده‌هایی گسترده بوده است».

بر اساس منابع اسرائیلی، محتویات بایگانی ثابت می‌کند که ایران هرگز طرح خود برای ساخت یک بمب اتمی را کنار نگذاشته و برعکس حتی تلاش کرده اسناد مربوط به توسعه سلاح‌های هسته‌ای را پنهان کند تا از آن‌ها در آینده استفاده شود. این اقدام یکی از دلایلی بوده است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا توافق‌نامه هسته‌ای بین‌المللی را با ایران در اوایل ماه مه ۲۰۱۸ لغو کرد.

Today in 2018 this work is carried out by SPND

- Led by the same person who led Project Amad –
→ Dr. Mohsen Fakhrizadeh
- Many of SPND's key personnel worked under him on Project Amad



رسانه‌های امریکائی از جزئیات چگونگی عملیات موساد هم پرده برداشتند. جاسوسان موساد ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه وارد انبار و محل نگهداری آرشیو در تهران شدند. آن‌ها دقیقاً می‌دانستند که باید دنبال ۳۲ گاو صندوقی باشند که در ایران تولید شده است. جاسوسان موساد این گاوصندوق‌ها را با ابزار مخصوص جوشکاری با حرارت ۳۶۰۰ درجه گرما گشودند. در این گاوصندوق‌ها اسناد هسته‌ای ایران نگهداری می‌شد.

عملیات موساد در تهران نشان می‌دهد که اسرائیل اطلاعات دقیقی از داخل ایران و همچنین از سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای دوست داشته است.

یوسی کوهن، رئیس موساد می‌گوید ماموران اسرائیلی دقیقاً شش ساعت و ۲۹ دقیقه یعنی تا ۵ صبح برای ورود به محل نگهداری اسناد هسته‌ای در یک منطقه تجاری در تهران فرصت داشته‌اند.

نیویورک تأمیز می‌نویسد که دو ساعت بعد نگرهبانان صبح برای کنترل همیشگی به محل سر زدند و متوجه درها و گاو صندوق‌های باز شدند و بلافاصله جست‌وجوی سراسری برای یافتن سارقان در ایران آغاز شده است.

هنوز مشخص نیست که مامورین موساد چگونه و از چه طریق این اسناد را مخفیانه از ایران خارج کردند.

به نوشته نیویورک تأیید ساده‌ترین راه می‌تواند از طریق دریا بوده باشد، چون دریای خزر فقط چند ساعت با پایتخت ایران فاصله دارد و این اسناد را می‌توان بوسیله قایق از ایران به باکو برد. جمهوری آذربایجان هم با اسرائیل مناسبات امنیتی خوبی برقرار کرده است.

اسنادی که موساد به دست آورده نشان می‌دهد که ایران در برنامه‌ی اتمی خود از خارج هم کمک گرفته است. نیویورک تأیید در این میان از کشور پاکستان نام برده و اشاره می‌کند که افراد غیرایرانی در توسعه برنامه اتمی دخیل بوده‌اند. اما مشخص نیست که دانشمندان خارجی با اطلاع دولت‌های کشورهایشان این کار را کرده‌باشند.

اسرائیل اسناد هسته‌ای را برای چند روزنامه‌نگار فرستاده است و این موضوع نباید یک تصادف بوده باشد.

اسرائیل بارها از ایران خواسته است که نیروهای خود را از سوریه خارج کند. این کشور برای وادار کردن ایران به خروج نیروهایش از سوریه همواره مواضع نیروهای تحت فرماندهی سپاه پاسداران ایران را مورد هدف حملات خود قرار داده است.

منابع شبکه‌های العربیه والحدث گزارش کردند جنگنده‌های اسرائیل شامگاه چهارشنبه ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ یک خودروی حامل پول‌هایی که ایران برای حزب‌الله لبنان فرستاده بود را در سوریه مورد هدف قرار داده و بمباران کردند.

براساس این گزارش این پول‌ها را یک هواپیمای مسافربری ایرانی به فرودگاه دمشق منتقل کرد و پس از هواپیما به چند خودرو انتقال داده شده تا به مقصد حزب‌الله راهی لبنان شود، جنگنده‌های اسرائیلی این خودروها را بمباران کردند.

دیدبان حقوق بشر سوریه ساعاتی قبل از انتشار این گزارش‌ها، اعلام کرده بود که ۸ پیکارجوی وابسته به جمهوری اسلامی ایران در بمباران شبانه جنگنده‌های اسرائیلی در سوریه کشته شدند.

اسرائیل همچنین حمله دیگری به منطقه پیرامونی جبل المانع در حومه دمشق داشت که اطلاعاتی درباره خسارات و قربانیان ناشی از این حمله هنوز در دست نیست.

در پی این حملات تلویزیون سوریه ویدئویی منتشر کرده و مدعی شد که سامانه‌های دفاع موشکی این کشور به مقابله با جنگنده‌های اسرائیل در آسمان جبل المانع پرداختند.

جمهوری اسلامی ایران درباره حملات اسرائیل به نیروهای حامی خود در سوریه اغلب سکوت اختیار می‌کند.

درگیری‌های سوریه که از یک دهه بدین سو، منجر به ویرانی کشور شده و صدها هزار نفر را به کام مرگ کشانده، میلیون‌ها انسان را آواره کرده، نه تنها کشور سوریه را به جولانگاه مداخلات خارجی تبدیل کرده بلکه زمینه حضور نظامی ایران در منطقه و تحقق اهداف استراتژیک این کشور در خاورمیانه را فراهم کرده است. در واقع، فعالیت‌های اسرائیل در سوریه تنها به حمله به مواضع و پایگاه‌های ایران در این کشور منحصر می‌شود و تل‌آویو در سایر درگیری‌های بی‌شمار سوریه نقشی نداشته است.

از سوی دیگر، اسرائیل از آغاز حملات نظامی‌اش در سال ۲۰۱۱، به قلمرو سوریه، پیوسته ادعان کرده است که هدفش از این حملات، جلوگیری از گسترش حضور نظامی جمهوری اسلامی ایران در سوریه و عدم انتقال سلاح

به حزب‌الله لبنان بوده است. ارتش اسرائیل در مدت چند سال گذشته صدها بار به مواضع و پایگاه‌های ایران در خاک سوریه حمله کرده است.

اما با وجود تداوم حملات نظامی اسرائیل به مواضع و پایگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در سوریه، همواره سران حکومت اسلامی سعی می‌کنند در حرف قدرت نظامی خود را به نمایش بگذارند، از ابراز پاسخ به حملات اسرائیل در سوریه خودداری می‌کنند.

نهایتاً بیش از پنجاه سال از سودای هسته‌ای شدن ایران گذشته است. حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی ایران میلیاردها دالر برای تاسیسات هسته‌ای هزینه کرده‌اند تا بر اساس روایت‌های رسمی، کشور منبع دیگری غیر از نفت برای تامین انرژی داشته باشد. اما هدف آن‌های واقعی و پنهانی آن‌ها، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران دستیابی به بمب اتمی بوده است.

ماجرای هسته‌ای شدن ایران در بیش از نیم قرن گذشته به یکی از پیچیده‌ترین مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای تبدیل شده است. اصرار مقام‌های ایرانی بر صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای هیچ‌گاه رضایت و اطمینان کشورهای غربی را به همراه نداشت.

ظاهراً جمهوری اسلامی سیاست‌های پهلوی را به بهانه غربی و فرمایشی بودن نقد می‌کردند، حتی پروژه تولید انرژی اتمی را برای شش سال آن را متوقف کردند. بخشی از تجهیزات نیروگاه بوشهر در اختیار سازمان جهادسازندگی برای پیش‌برد جنگ گذاشته شد.

اما در میانه جنگ با عراق، جمهوری اسلامی ایران به فکر دستیابی به جنگ‌افزار اتمی افتاد و همین سرآغاز داستانی چندین دهه شد.

امریکا در دوران حضور احمدی‌نژاد در راس قوه مجریه توانست جامعه جهانی را علیه سیاست‌های اتمی ایران بسیج کند. بر اساس برآوردهای صورت‌گرفته، همراهی جامعه جهانی با امریکا در سه سال گذشته حداقل سالانه ۱۰۰ میلیارد دالر زیان به ایران تحمیل کرده است.

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۴ به صورت علنی برنامه اتمی خود را در قراردادی با روسیه آغاز کرد. روسیه که تعهد کرده بود نیروگاه اتمی بوشهر را در پنج سال به بهره‌برداری برساند، هیچ‌گاه به تعهدات خود پایبند نماند. به گونه‌ای که دو سال پیش نمایندگان مجلس تصمیم گرفتند کمیسیون ویژه‌ی را برای تحقیق و تفحص از هزینه‌های نیروگاه اتمی بوشهر تشکیل بدهند که با مخالفت هیات رئیسه مجلس به نتیجه نرسید. سخنگوی این کمیته، هزینه تمام شده رآکتور بوشهر را پنج برابر یک رآکتور مشابه اعلام کرد.

مبلغ این قرارداد یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان اعلام شده است. همچنین ۵۲ میلیون دالر نیز برای تامین هزینه سوخت نیروگاه در نظر گرفته شد. بنا بر اعلام مسوولان جمهوری اسلامی، نیروگاه بوشهر با هشت سال تاخیر در سال ۲۰۰۸ به بهره‌برداری رسید، این نیروگاه دو سال پیش به صورت رسمی به شبکه برق ایران پیوست تا تاخیر در بهره‌برداری از آن به یازده سال برسد.

با وجود سرمایه‌گذاری‌ها، ایران در پروژه اتمی به هدف از پیش تعیین شده نرسیده است. سهم نیروگاه بوشهر که پس از یازده سال تاخیر به بهره‌برداری رسیده، در تامین برق ایران هم کمتر از سه درصد اعلام شده است.

با همه افت و خیزهایی که پرونده هسته‌ای ایران در سه دهه گذشته داشت، در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۳ ایران و غرب به یک توافق برای تعلیق غنی‌سازی و برنامه اتمی ایران به صورت موقت دست یافتند.

غرب در سال‌های گذشته همواره ایران را به اقدامات غیرشفاف در پروژه هسته‌ای متهم کرده است. ایران از سال ۲۰۰۵ به بعد بر حجم فعالیت‌های هسته‌ای خود افزوده است. اگر چه پس از نیم قرن تنها یک فاز از نیروگاه بوشهر به بهره‌برداری رسیده و نیروگاه دارخوئین هم در مرحله مطالعاتی متوقف مانده، اما ایران نیروگاه آب سنگین اراک و اکتشاف و غنی‌سازی اورانیوم را در داخل کشور آغاز کرده و توانسته است بخشی از اورانیوم اکتشافی را تا ۲۰ درصد غنی‌سازی کند.

ایران تا به حال جزئیاتی از هزینه برنامه اتمی خود منتشر نکرده است. سازمان ملل متحد خسارت مستقیم وارد شده به ایران در جنگ هشت ساله را ۹۷ میلیارد دلار برآورد می‌کند. ایران اعلام کرده که هشت سال جنگ با عراق را تنها با ۵۲ میلیارد دلار اداره کرده، اما برآوردهای کارشناسی هزینه تحمیل شده به ایران برای جنگ را بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار نشان می‌دهد.

بر اساس گزارش نهادهای بین‌المللی، ایران ۹۴ تا ۱۱۲ میلیارد دلار برای هدایت جنگ و ۱۱ میلیارد دلار برای واردات نظامی هزینه کرد. هزینه غیرمستقیم ناشی از کاهش درآمدهای نفتی و تولیدات کشاورزی برای ایران نیز ۶۲۷ میلیارد دلار برآورد شده است.

ایران در مقابل همه این هزینه‌ها سرانجام پس از سال‌ها کشمکش با جامعه جهانی، توافق‌نامه ژنو را پذیرفت و یکبار دیگر غنی‌سازی اورانیوم را به حالت تعلیق درآورد. این اقدام با واکنش برخی از جریان‌های تندرو در ایران روبه‌رو شد. مقام‌های دولتی هم آن را تسلیم غرب و شرق در برابر ایران توصیف کردند.

در رویارویی غرب با جمهوری اسلامی پروژه اتمی را به یک پروژه محرمانه تبدیل کرده و رسانه‌ها از پرداختن به آن منع شده‌اند. غرب نیز در سوی دیگر بازی با تبلیغ نزدیک شدن ایران به بمب اتمی، جبهه تحریم گسترده‌ای علیه ایران شکل داده است. اما آیا واقعا این‌گونه بوده است که دو سوی این پرونده روایت کرده‌اند؟ با آن‌که تاکنون بودجه‌ای که صرف فعالیت‌های هسته‌ای در ایران شده از سوی مقام‌های حکومتی به طور مشخص اعلام نشده، اما تخصیص ۱۲۰۰ میلیارد تومان به این امر تنها در بودجه سال ۱۳۸۶، می‌تواند بخشی از ابعاد مالی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی را مشخص کند.

در حالی که اکثریت شهروندان ایرانی تحت فشار رکود تورمی هستند، جمهوری اسلامی میلیارد‌ها دلار از حمله صرف برنامه‌های موشکی غیرضروری کرده است.

در ۷ مهر ماه سال جاری، جمهوری اسلامی از آن‌چه «موشک ضدکشتی بالستیک با برد ۷۰۰ کیلومتر» توصیف می‌کرد، رونمایی کرد. رسانه‌های وابسته به سپاه پاسداران اظهار داشتند که این موشک برد موشک‌های ساحل به دریا و دریا به دریای پیشین سپاه را دو برابر کرد.

تارنمای خبری «خبر آنلاین» گفت که این موشک با نام ذوالفقار بصیر به «خانواده‌ای از موشک‌ها پیوست که برخی از آن‌ها به دنیا نشان داده شده و برخی دیگر به منظور مقابله با دشمن محرمانه نگه داشته شده‌اند.»

جمهوری اسلامی ایران در ۸ آذر، روز نیروی دریایی، از یک ناو بالگردبر مجهز به فناوری جنگ الکترونیکی رونمایی کرد. گفته می‌شود که این ناو توانایی حمل هفت بالگرد و چندین هواپیمای بدون سرنشین را دارد.

به نظر می‌رسد که این کشتی از روی یک ناو چینی از همان نوع مدل سازی شده است. سپاه پاسداران همچنین اعلام کرد که در حال کار بر روی رونمایی از یک کشتی مشابه است، هر چند که تاریخی برای آن مشخص نکرد.

داده‌هایی که در دسترس عموم هستند نشان می‌دهد که تورم سالانه در ایران در مهر ماه به ۴/۴۱ درصد افزایش یافته است، در حالی که در شهریور ۴/۳۴ درصد و در مرداد ماه ۴/۳۰ درصد بود.

مقاله‌ای در اقتصاد آنلاین، یک تارنمای پیشگام درباره اخبار اقتصادی ایران، اطلاعاتی در مورد تورم فعلی ارائه داد. این مقاله با مقایسه داده‌های بانک جهانی و آمار رسمی منتشر شده توسط دولت ایران نشان می‌دهد که متوسط درآمد ساکنان مناطق روستائی در ایران ۱/۷۰ دالر در روز است در حالی که متوسط درآمد ساکنان شهرها ۳/۲۰ دالر در روز است. بانک جهانی درآمد ۱/۹۰ دالر برای هر نفر در روز را به عنوان خط فقر مطلق تعریف می‌کند. قابل ذکر است که از زمان انتشار این داده‌ها، ارزش پول ایران در برابر دالر حدود ۲۰۰ درصد کاهش یافته است. برای مقایسه، ایسنا، خبرگزاری نیمه رسمی ایران قیمت هر کیلوگرم کره را در اواخر شهریور ماه سال ۱۳۹۹ معادل ۱۵۰ هزار ریال (یا حدود ۳/۵۶ دالر) اعلام کرد.

قیمت گوشت قرمز به همان اندازه گران شده است. قیمت گوشت گاو در هفته منتهی به ۲۱ مهر بیش از ۴ درصد افزایش یافت. در طی آن هفته، قیمت هر کیلوگرم گوشت گاو به ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار ریال (یا حدود ۲۶ دالر) رسید.

به گزارش همشهری، مرکز آمار ایران می‌گوید: خانوارهای ایرانی در آبان امسال به‌طور میانگین ۴۶.۴ درصد بیش‌تر از آبان پارسال برای خرید یک مجموعه کالاها و خدمات یک‌سان هزینه کرده‌اند و نرخ تورم نقطه به نقطه در آبان امسال نسبت به ماه قبل ۵ واحد درصد رشد کرده است. نکته نگران‌کننده در خصوص رشد نرخ تورم نقطه به نقطه، افزایش ۱۶.۱ درصدی نرخ تورم گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات است به‌نحوی که میانگین قیمت‌سبد خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و البته دخانیات در آبان امسال ۵۶.۶ درصد رشد کرده است. این در حالی است که نرخ تورم نقطه به نقطه گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات در آبان امسال ۴۱.۸ درصد بوده که نسبت به مهرماه امسال تنها یک دهم درصد کاهش یافته است. این گزارش نشان می‌دهد که نرخ تورم نقطه به نقطه در مناطق شهری ایران با ۴.۴ درصد رشد در آبان امسال نسبت به‌ماه مهر سال‌جاری به ۴۵.۷ درصد رسیده و لیکن نرخ تورم نقطه به نقطه مناطق روستائی از مرز ۵۰ درصد هم عبور کرده و نسبت به‌ماه مهر امسال سرعت آن ۸.۱ واحد درصد بوده است.

مسئولین و نهادهای جمهوری اسلامی ایران کم‌ترین اهمیتی به مسأله محیط زیست، خطرزائی پرتوهای رادیواکتیو و صرفه اقتصادی نداشتن این انرژی اهمیت نمی‌دهند باعث و بانی رشد بیماری‌های خطرناک به ویژه سرطان شده‌اند.

اخیرا غلامرضا معصومی مسئول فوریت‌های پزشکی ایران مبنی بر آلودگی تعدادی از کارکنان و ساکنان اطراف کارخانه پردازش اورانیوم (یوسی‌اف) در اصفهان و تلاش فوری مسؤلان دولتی برای حذف خبر از رسانه‌ها، نشان داد که با وجود گسترده بودن خطر آسیب‌پذیری‌های محیطی ناشی از نشت مواد سمی اتمی در شهرها، جمهوری اسلامی انکار موضوع را به اطلاع‌رسانی وسیع و فوری و افزایش آمادگی برای مقابله با عوارض ناشی از رخدادهای اتمی ترجیح می‌دهد.

خطر بروز حادثه نه تنها در ایران، که در تمام نقاط دنیا مراکز و تاسیسات هسته‌ای را تهدید می‌کند. میزان این مخاطرات به نسبت نوع فعالیت مراکز اتمی، علت حادثه، دوری یا نزدیکی آن‌ها به مراکز مسکونی، وضعیت جغرافیائی محیط و شرایط جوی در زمان بروز حادثه، تغییر می‌کنند.

راکتورهای هسته‌ای بیش از دیگر تاسیسات اتمی در خطر حادثه قرار دارند. اتفاق سال ۲۰۱۱ در راکتورهای اتمی فوکوشیما ژاپن جدی‌ترین رویداد طی ۲۶ سال گذشته به‌شمار می‌آید. پیش از آن حادثه سال ۱۹۸۶ در چرنوبیل اوکراین، و حادثه سال ۱۹۷۹ جزیره «تری مایل» در ایالت پنسیلوانیای امریکا، خطر ساز و خبر ساز شدند هر چند

که رخدادهای اتمی دیگری نیز در اتحاد شوروی سابق، امریکا، برزیل، هند، ژاپن، مکزیک، کاستاریکا، و اسپانیا بروز کرده‌اند. ایران از این قاعده عمومی مستثنی نیست.

دامنه آسیب‌های محیطی و انسانی ناشی از حوادث اتمی (و یا نشت سم‌های شیمیایی و رادیویی) زمانی گسترده‌تر می‌شود که در ابتدا با موضوع حادثه با پنهان‌کاری برخورد شود و به‌علاوه، آمادگی قبلی برای مقابله با عوارض ناشی از حادثه در محیط فراهم نیامده باشد.

خطرهای بالقوه انسانی و محیطی ناشی از حادثه و یا حمله نظامی علیه تاسیسات هسته‌ای ایران به دلایل روشن و غیر قابل انکار گسترده‌تر از هر رویدادی در هر یک از تاسیسات اتمی دیگر در سراسر جهان خواهد بود.

گسترده‌ترین این خطرها ناشی از حمله احتمالی نظامی علیه تاسیسات هسته‌ای ایران است که جمهوری اسلامی همچنان اصل خطر داخل شدن در جنگ را انکار می‌کند.

گفته می‌شود مراکز اعلام شده اتمی جمهوری اسلامی ایران که در آنها بیش از ۱۰,۰۰۰ نفر به کار مشغولند، عموماً در نزدیکی مراکز مسکونی قرار گرفته‌اند. در اصفهان به تنهایی چهار مرکز حساس هسته‌ای وجود دارد که در تمامی آنها خطر بروز حادثه و نشت مواد سمی اتمی از راه هوا و یا آلوده ساختن جریان آب، جدی است.

کارشناسان بر این عقیده‌اند که با این وجود خطر بالقوه ناشی از بروز حادثه در تاسیسات اتمی اصفهان (و یا تهران، و کرج، یزد و...) در مقایسه با بروز حادثه در راکتور اتمی ۱۰۰۰ مگاواتی آب سبک ایران در بوشهر که مراحل تکمیلی خود را با مدیریت کادر فنی روسی طی می‌کند، و راکتور اتمی آب سنگین ۴۰ مگاواتی در دست ساختمان ایران در اراک که عموماً مدیریت ساخت آن را کارکنان ایرانی در دست دارند، کمتر است.

خطر بروز حادثه در این دو راکتور (و همچنین در راکتور آزمایشگاهی فرسوده تهران و کوره اتمی آزمایشگاهی اصفهان) نیز از امکان بروز حادثه در مرکز پردازش اتمی اصفهان، غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و فردو (و یا مراکز اعلام‌نشده مشابه) و یا آزمایشگاه‌های اتمی تهران، اصفهان، کرج و یا معادن اورانیوم در بندر عباس و نطنز بیش‌تر است.

عوارضی که مسؤول فوریت‌های پزشکی ایران هفته گذشته خبر آن را انتشار داد و دولت با انسداد مجاری خبری به مقابله با آن پرداخت در مقایسه با دامنه خطر بالقوه‌ای که مناطق محیطی تاسیسات اتمی ایران و کارکنان تاسیسات و مردم عادی را تهدید می‌کند در حکم تاج کوه یخ با بدنه پنهان آن است.

راکتور اتمی بوشهر علاوه بر فرسودگی جدار فلزی داخل کوره که دارای عمر ۴۰ ساله است، و کهنگی پمپ‌های خنک‌کننده باقی مانده از زمان پیمانکاران زیمنس، دارای مشکلات فنی ناشی از ترکیب دو فناوری آلمانی و روسی در تکمیل آن است. این وضعیت تلفیقی، خطر بروز حادثه در آنرا بیش از هر راکتور نوساز دیگری ساخته است.

راکتور اتمی بوشهر تاکنون سه بار به دلایلی فنی که هرگز به روشنی و با ذکر جزئیات موضوع آنها گزارش نشده، با حادثه روبرو گردیده و در نتیجه کوره اصلی آن خاموش شده است. بعد از آخرین رویداد فنی (یا دلایل سیاسی و امنیتی، از جمله دریافت هشدار خارجی مبنی بر افزایش احتمال حمله نظامی) راکتور بوشهر هم اکنون عملاً خاموش است و غلاف‌های سوختی آن بر اساس آخرین گزارش انتشار یافته در استخرهای مخصوص نگاهداری سوخت مصرف شده قرار دارند.

بروز حوادث دیگر، بعد از راه‌اندازی کامل راکتور، به‌ویژه زمانی که حدود ۲۰۰۰ کارکنان روسی از محل خارج و اداره آن به کارکنان ایرانی سپرده می‌شود، به هیچ‌وجه غیر محتمل نیست، در حالی که کمترین آمادگی، از جمله آموزش فوریت‌های پزشکی به مردم در محل صورت نگرفته است.

راکتور اتمی بوشهر در فاصله ۱۰ کیلومتری شهر بنا شده و این شهر دارای ۲۵۰,۰۰۰ نفر جمعیت است. در صورت بروز یک حادثه جدی در راکتور و یا حمله نظامی، ساکنان بوشهر به همان سرنوشتی دچار می‌شوند که مردم شهر پریپایات بعد از بروز حادثه در چرنوبیل؛ فرار از شهر در صورت زنده ماندن و پشت سر نهادن شهر سوخته. با وجود کوچکتر بودن راکتور اتمی اراک از راکتور بوشهر، در صورتی که این مرکز فرصت عملیاتی شدن پیدا کند، خطر بروز حادثه در آن اندک نیست.

گازهای اتمی که در اصفهان تولید و در نطنز و فردو غنی‌سازی بروی آن‌ها صورت می‌گیرد، کشنده‌تر از گازهای سمی مرکب از کلرین است که در جنگ دوم جهانی به‌کار می‌رفت. گازهای اتمی در صورت آزاد شدن، زیست انسانی و حیوانی را در مسیر خود از بین می‌برند. ریه بعد از داخل شدن گاز در آن خشک می‌شود، چشم‌ها بینایی خود را از دست می‌دهند و سلول‌های پوست می‌سوزند. باد می‌تواند به پراکندگی بیش‌تر گازهای آزاد شده کمک کند. این گازها از هوا سنگین‌ترند. به همین دلیل خطر نفوذ آن‌ها در جریان آب مصرفی زیاد است. در صورت باریدن باران و ترکیب با آب به یک جریان سمی قوی تبدیل شده و در زمین نفوذ می‌کنند.

در مراکز اتمی اصفهان از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۰۹ مقدار ۲۷۱ تن از این نوع گازها تولید شده است. نسبت تولید گاز هگزافلورید از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۲ روند افزایشی داشته است. جمهوری اسلامی این گازها را در محل‌های نزدیک به مناطق مسکونی نگاهداری می‌کند و تاکنون کم‌ترین اقدام لازم برای کاهش خطر تلفات انسانی و زیست‌محیطی ناشی از نشت تصادفی و یا انتشار گازهای اتمی را به عمل نیاورده است.

بایا این وجود جمهوری اسلامی ایران همچنان به «مسابقه اتمی» ادامه داده و از داخل شدن در مذاکرات جدی با جامعه جهانی طفره می‌رود. این وضعیت خطر حمله نظامی را به‌شدت افزایش خواهد داد. هدف اصلی حمله نظامی، انهدام مراکز اتمی ایران خواهد بود و تلفات حمله احتمالی در روز اول به هزاران نفر رسیده و در میان مدت صدها هزار نفر را در بر می‌گیرد.

در صورت مصون ماندن از حمله نظامی، پراکندگی مراکز هسته‌ای، عدم رعایت کامل ضوابط حفاظتی، دانش فنی محدود کادر فنی شاغل در مراکز، استفاده از فناوری ابتدائی و ندادن آموزش کافی به مردم و خودداری از جدی گرفتن اصل خطر و فراهم ساختن زمینه و ابزار مقابله با حوادث که نمونه آن در اصفهان دیده شد، همچنان مردم شهرهای ایران و ساکنان نزدیک به مراکز اتمی را تهدید می‌کنند.

برجام پس از ۱۲ سال کشمکش و مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۵ توسط ایران از یک طرف و آلمان، امریکا، بریتانیا، چین، فرانسه و روسیه از طرف دیگر امضاء شد.

در این زمینه تحریم‌های شدید نفتی و بانکی و کشتیرانی ایران از جانب دولت باراک اوباما نقشی کلیدی داشتند. از مهم‌ترین بندهای این سند بین‌المللی، لغو تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران از جمله در حوزه‌های مالی، بانکی، بیمه، نفت، گاز، پتروشیمی، کشتیرانی، موارد مجاز هسته‌ای، فلزات، نرم‌افزار و تسلیحات بود.

دونالد ترمپ، رئیس‌جمهور امریکا در سال ۲۰۱۸، امریکا را از این توافق‌نامه خارج کرد و خواهان مذاکرات تازه با جمهوری اسلامی شد. او از جمله خواهان مذاکره بر سر برنامه موشکی ایران گردید و به طور یک جانبه تحریم‌های اقتصادی جدید علیه ایران وضع کرد که تا به امروز ادامه دارد.

از سوئی ترمپ مدعی است که امریکا در دوره ریاست جمهوری اوباما ۱۵۰ میلیارد دلار به ایران داده است. آیا ادعای ترمپ مبنی بر این‌که امریکا برای حصول توافق هسته‌ای به ایران ۱۵۰ میلیارد دلار به‌علاوه ۱.۸ میلیارد دلار پول نقد داده، واقعیت دارد؟

روزنامه مردم‌سالاری جمعه ۱۴ تیر ۱۳۹۸ نوشت: ترمپ مدت‌ها است که می‌گوید امریکا با توافق هسته‌ای، ۱۵۰ میلیارد دلار به همراه ۱.۸ میلیارد دلار پول نقد، به ایران داد. او اخیراً نیز چند بار در توییت‌های خود، مجدداً این ادعا را مطرح کرده است. ترمپ حتی چهارشنبه ۱۲ تیر ۹۸ در توییتی توافق هسته‌ای را یک معامله ۱۵۰ میلیارد دلاری (به علاوه ۱.۸ میلیارد پول نقد) نامیده است! آیا ادعای او حقیقت دارد؟ به واسطه برجام چه قدر پول به ایران رسید؟

دونالد ترمپ در توییتی در واکنش به عبور ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران از سقف تعیین شده در برجام نوشته است: «ایران مدت‌ها پیش از آن‌که من رئیس‌جمهور شوم، توافق هسته‌ای ۱۵۰ میلیارد دلاری (به علاوه ۱.۸ میلیارد دلار پول نقد) با امریکا، و دیگرانی را که هیچ چیز پرداخت نکردند، نقض می‌کرد؛ حالا هم آن‌ها سقف (مجاز) ذخایر (اورانیوم غنی‌شده) خود را نقض کرده‌اند. این خوب نیست!»

از کلام ترمپ چنین برمی‌آید که امریکا در زمان اوباما برای رسیدن به توافق هسته‌ای، ۱۵۰ میلیارد دلار به علاوه ۱.۸ میلیارد دلار پول نقد به ایران داده و سایر طرف‌های برجام (سه کشور اروپائی به همراه روسیه و چین) هم چیزی به ایران پرداخت نکرده‌اند و بنا به ادعای او، «همه هزینه‌ها را دولت اوباما پرداخت کرده است». واقعیت این است که طرح این ادعا توسط دولت ترمپ تازگی ندارد.

ترمپ روز ۳۱ خرداد امسال و پس از سرنگونی پهپاد امریکائی توسط ایران در بخشی از رشته‌تولیت معروفش که در آن ادعا کرده بود، تنها دقایقی پیش از حمله به ایران، مانع از این حمله شده، گفته بود: «رئیس‌جمهور اوباما توافقی ناکام و وحشتناک با ایران کرده به آن‌ها ۱۵۰ میلیارد دلار به علاوه ۱.۸ میلیارد دلار پول نقد داد! ایران درگیر مشکلات بزرگی بود و او آن‌ها را نجات داد. راه دستیابی آن‌ها به سلاح‌های هسته‌ای را برایشان باز کرد و اندکی بعد، عوض تشکر، ایران فریاد زد، مرگ بر امریکا». آیا این ادعای ترمپ واقعیت دارد؟

واقعیت این است که پس از حصول توافق هسته‌ای، ایران توانست به منابعی که به واسطه تحریم‌های هسته‌ای مسدود شده بودند، دسترسی مجدد پیدا کند. این منابع، در واقع منابع بلوکه‌شده ایران بودند که پس از اجرائی شدن برجام، ایران مجوز استفاده از آن‌ها را به دست آورد.

هیچ آمار رسمی در مورد منابعی که پس از برجام آزاد شدند، وجود ندارد و برآوردها از این منابع نیز بسیار متفاوت است. بالاترین رقمی که برای منابع آزادشده پس از برجام عنوان شده است، رقم ۱۵۰ میلیارد دلار است که عمدتاً توسط برخی مقامات امریکائی مطرح شده است.

امریکائی‌ها چه اعدادی در مورد منابع آزادشده ایران به واسطه برجام مطرح کرده‌اند؟ باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق امریکا در سال ۲۰۱۵ عنوان کرده بود که رقم دارائی‌های مسدودشده ایران ۱۵۰ میلیارد دلار است. وی در مصاحبه با نیویورک تایمز گفته بود: «۱۵۰ میلیارد دلاری که ایران خواهد گرفت، پول بادآورده نیست، بلکه پول‌های خود ایران است که از طریق فروش نفت به دست آورده بوده و صرفاً به علت تحریم‌های بین‌المللی در بانک‌های خارجی) مسدود شده است؛ تنها دلیلی که تا به حال نتوانسته است آن را به دست آورد به خاطر من و دولت من بوده است که گفته‌ایم ما باید آن جریان را متوقف کنیم (سپرده‌های ایران را مسدود کنیم) تا زمانی که برنامه هسته‌ای ایران متوقف شود.»

جک لو وزیر خزانهداری امریکا در دولت اوباما، نظر متفاوتی در مورد این موضوع داشت. جک لو، در همان زمان در ژوئیه ۲۰۱۵ و پس از حصول توافق هسته‌ای، اعلام کرده بود که ایران به واسطه توافق هسته‌ای به ۵۶ میلیارد دلار دست خواهد یافت.

مقامات جمهوری اسلامی نیز هرگز واقعیت را بیان نکرده‌اند و به همین دلیل در ایران نیز ارقام متفاوتی در مورد دارائی‌های آزاد شده به واسطه برجام مطرح شده است. اکبر کمیجانی قائم مقام بانک مرکزی تنها چند روز پیش از حصول توافق هسته‌ای بین ایران و گروه پنج به علاوه یک در تیر ماه سال ۹۴ در مصاحبه با وال استریت ژورنال رقم دارائی‌های مسدود شده ایران را ۱۵۰ میلیارد دلار عنوان کرده بود. از نظر وی این رقمی بود که باید در نتیجه توافق هسته‌ای آزاد می‌شد.

پس از اجرائی شدن برجام، محمدباقر نوبخت که در آن زمان به جز ریاست سازمان برنامه و بودجه، سخنگوی دولت نیز بود، در مصاحبه با شبکه العالم دارائی‌های آزاد شده ایران را «افزون بر ۱۰۰ میلیارد دلار» اعلام کرد و گفت: «این دارائی‌ها به طور کلی آزاد شده است و ما می‌توانیم از آن استفاده کنیم.» این مطلب به تیر یک روزنامه ایران نیز تبدیل شد و نوبخت رقم ۱۰۰ میلیارد دلاری را بر سر زبان‌ها انداخت.

ولی‌الله سیف رئیس کل سابق بانک مرکزی رقم دارائی‌های آزاد شده ایران را ۲۹ میلیارد دلار عنوان کرده بود. او در این مورد گفته بود: «۲۳ میلیارد دلار از اموال بانک مرکزی و ۶ میلیارد دلار درآمد نفت در کشورهای ژاپن، کره، امارات عربی متحده و هند موجود است.»

علی طیب‌نیا وزیر اقتصاد دولت یازدهم نیز رقم ۲۹ میلیارد دلاری اعلام شده توسط سیف را تأیید کرده بود. اما رقم واقعی هر چی باشد میلیاردها دلار بوده است که شهروندان ایران نمی‌دانند واقعا این مبالغ هنگفت کجا رفت؟ و خرج چه چیزهایی شد چون که نه تنها بهبودی در وضعیتی معیشتی مردم به وجود نیامد بلکه بدتر هم شد! روزنامه امریکائی نیویورک تایمز، روز یکشنبه ۲۹ نوامبر در مقاله‌ای نوشت، ترور محسن فخری زاده دانشمند هسته‌ای ایران، تلاش‌های جو بایدن رئیس‌جمهوری منتخب امریکا برای احیای توافق هسته‌ای با تهران را فلج خواهد کرد. ایران بیش از دو دهه برای دستیابی به بمب اتمی تلاش می‌کند.

این عملیات ترور که پیش از این‌که جو بایدن بتواند فعالیت دیپلماسی خود را با حکومت تهران آغاز کند، اتفاق افتاده، ممکن است با هدف منع دولت بایدن از احیای توافق هسته‌ای با ایران صورت گرفته است.

به نوشته این روزنامه امریکائی، مقامات اطلاعاتی شک و تردیدی ندارند که اسرائیل عامل این ترور بوده است زیرا ویژگی‌های این نوع ترور مشخصه عملیات‌هایی را دارد که به طور دقیق توسط موساد تنظیم شده است. این روزنامه در ادامه نوشت، اسرائیلی‌ها هیچ عکس‌العملی در باره رد این اتهام یک از بین بردن چنین نظریه‌ای از خود نشان ندادند.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر همیشه ایران را تهدیدی وجودی قلمداد می‌کند. او محسن فخری‌زاده دانشمند مقتول را دشمن شماره ۱ اسرائیل توصیف کرده که قادر به ساخت سلاحی است که می‌تواند کشور ۸ میلیونی اسرائیل را با یک انفجار تهدید کند.

نتانیاهو معتقد است که برنامه هسته‌ای «مخفیانه» ایران تا دیروز تحت رهبری محسن فخری‌زاده ادامه داشت و مسلماً این برنامه و اهداف پس از سال ۲۰۳۰ که پایان محدودیت‌های اعمال شده علیه ایران در چارچوب توافق هسته‌ای است، تهران به تولید هر چه بیشتر سوخت هسته‌ای مورد نظر برای ساخت بمب هسته‌ای ادامه خواهد داد. از نظر اسرائیل و دیگر منتقدان توافق هسته‌ای، بزرگ‌ترین اشکال و عیب اساسی این توافق عدم گنجاندن محدودیت دائمی ذخیره‌سازی اورانیوم برای ایران در این توافق است.

روزنامه در ادامه نوشت، اکنون سؤالی که تا حد زیادی احتیاج به پاسخ دارد این است که ایران در چند هفته آینده به چه نحوی پاسخ خواهد داد.

به نوشته این روزنامه مقامات نظامی ارتش آمریکا، روز شنبه گفتند که آن‌ها پس از تهدید ایران به انتقام برای کشته‌شدن محسن فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای این کشور، نیروهای نظامی و امنیتی ایران را زیر نظر گرفتند اما تاکنون هیچ‌گونه تحرکات نظامی یا جابه‌جایی سلاح‌های ایرانی را کشف نکرده‌اند.

به نوشته روزنامه «نیویورک تایمز» مقامات نظامی امریکائی از اظهار نظر در مورد افزایش سطح هشدار ایالات متحده یا اقدامات اضافی برای محافظت از نیروهای امریکائی در خاورمیانه خودداری کردند و خاطرنشان کردند که سربازان امریکائی در منطقه در وضعیت آماده‌باش نسبتا بالائی قرار دارند.

سه لُرزش بزرگ و ویرانگر که تهران از ابتدای سال جدید با آن مواجه شد. اولین لُرزش کشته شدن ژنرال قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس که در بغداد توسط یک هواپیمای بدون سرنشین کشته شد. دولت دونالد ترامپ رئیس جمهوری امریکا دلیل تصفیه او را این‌گونه مطرح کرد که سلیمانی در حال تدارک حمله‌ای به نیروهای امریکائی در منطقه را داشت.

پس از آن اتفاق تکان‌دهنده، در اوایل ژوئیه انفجار مرموزی در مرکز تحقیقات و توسعه بخش سانتریفیوژ در نیروگاه اتمی نطنز و چند صد متری مرکز تولید سوخت زیرزمینی، رخ داد که امریکا و اسرائیل بیش از یک دهه پیش با سلاح الکترونیکی پیشرفته به آن حمله کرده بودند.

اکنون سوم لُرزش برای جمهوری اسلامی ایران، قتل محسن فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای و شخصیت مرموز برنامه اتمی ایران که اغلب او را «رابرت اوپنهایمر» ایران می‌نامند. «رابرت اوپنهایمر» دانشمند امریکائی است که بیش از ۷۵ سال پیش بر پروژه منهن نظارت کرد تا اولین سلاح هسته‌ای جهان را برای ایالات متحده امریکا تولید کند.

اگر ایران از اقدامات تلافی جویانه بزرگ خودداری کند و در برابر اقدام جسورانه حذف شاه مهره برنامه هسته‌اش خود دست به اقدامی نزدند و این ترور باعث مخفی‌تر نگه داشتن برنامه هسته‌ای ایران شود، در واقع تهران نتایج بهتری خواهد گرفت اما اگر ایرانیان مقابله به مثل کنند و به دونالد ترامپ قبل از ترک کاخ سفید در ماه ژانویه بهانه دهد تا علیه آن‌ها دست به اقدام نظامی بزند، آن موقع دیگر جو بایدن مشکلاتی بیش از بقایای یک سند دیپلماتیک ۵ ساله را به ارث خواهد برد و احتمال موفقیتش در بازگشت به توافق هسته‌ای بسیار کم خواهد بود.

جو بایدن، رئیس‌جمهوری منتخب و آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه او صریحا اظهار داشتند که بازگشت به توافق هسته‌ای که ترامپ از آن خارج شد یکی از اولین اهداف آن‌ها در خاورمیانه است. اما همان‌طور که جیک سالیوان مشاور تازه منصوب شده امنیت ملی که به عنوان یکی از شرکت‌کنندگان مذاکرات مخفیانه با جمهوری اسلامی ایران که منجر به توافق هسته‌ای شد، اخیرا در دانشگاه مینه سوتا گفت: «این واقعا به ایران بستگی دارد اگر ایران به تعهدات خود که اکنون مرتب آن را نقض می‌کند باز گردد و با حسن نیت مایل به ادامه مذاکرات درباره توافق هسته‌ای مذاکره کند، جو بایدن آماده انجام چنین کاری است.»

با شکست ترامپ در انتخابات، تصور بر این بود که احتمالا پرونده بازگشت امریکا به برجام نیز گشوده شد. جو بایدن رئیس‌جمهور منتخب نیز اعلام کرده بود که در صورت پیروزی در انتخابات امریکا به توافق هسته‌ای ایران باز خواهد گشت. اسرائیل به همراه عربستان و امارات از مخالفان اصلی برجام هستند که قویا از تصمیم ترامپ برای خروج از این معاهده بین‌المللی حمایت کردند. بر همین اساس تحلیل‌گران بر این باور بودند که احتمال اقدام علیه ایران یا حتی حمله نظامی تا پیش از پایان دوره ترامپ محتمل است.

در روزها اخیر اسرائیل تبلیغات وسیعی راه انداخته بود که ارتش خود را به حال آمده‌باش درآورده تا هرگونه آمادگی برای حمله احتمالی به ایران را داشته باشند. احتمالا گزینه مطلوب عاملان این ترور است که می‌تواند

بهبانهای برای آغاز یک سری درگیری‌های نظامی تمام‌عیار علیه ایران باشد که در این صورت نیز احیای برجام میان ایران و آمریکا و اروپا دست‌کم برای یک مدت زمان طولانی کنار گذاشته می‌شود و شرایط مطلوب اسرائیل و برخی کشورهای عربی حتی در غیاب ترمپ نیز فراهم می‌شود.

روزنامه امریکائی وال استریت ژورنال، در مقاله‌ای تحلیلی در بانه ترور محسن فخری‌زاده دانشمند هسته‌ای ایران نوشت، ترور این دانشمند، نشان‌دهنده ضعف قدرت امنیتی در داخل ایران و سهولت جذب جاسوسان به نفع سرویس‌های اطلاعاتی خارجی است.

به نوشته این روزنامه، ترور فخری‌زاده نشان داد که با وجود این که جمهوری اسلامی ایران غیرنظامیان دارای تابعیت دوگانه ایرانی و خارجی را که وارد ایران می‌شدند را به جاسوسی متهم می‌کرد اما عوامل اطلاعات آمریکا و اسرائیل در داخل ایران نفوذ دارند.

این روزنامه نوشت: «افزایش فعالیت‌های اطلاعاتی در ایران بیانگر سهولت جذب جاسوسان برای سرویس‌های اطلاعاتی خارجی است که با افزایش تنش داخلی به ویژه پس از سرکوب اعتراضات سال گذشته، تسهیل شده است.»

این روزنامه تاکید کرد که ضعف امنیت داخلی و خطر ناآرامی‌های داخلی به دلیل رنج مردم از نظر اقتصادی و اجتماعی همه از عواملی هستند که ادامه حمایت رژیم تهران از شبه‌نظامیان وابسته به خود در منطقه را دشوارتر می‌سازد.

این روزنامه در ادامه نوشت: «پاسخ تهران به ترور دانشمند هسته‌ای خود به هرگونه مذاکره احتمالی با دولت جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا درباره توافق هسته‌ای جدید با ایران مرتبط خواهد بود.»

این روزنامه، نوشت، دولت بایدن باید از موضع قدرت با رژیم ضعیف ایران مذاکره کند.

پس از ترور فخری‌زاده نیز همان سؤالاتی مطرح شده که پس از ترور موشکی قاسم سلیمانی در بغداد با کمک پهپاد امریکائی مطرح شده بود. در مورد سلیمانی هنوز اعلام نکرده‌اند و یا هنوز نتوانسته‌اند کشف کنند که امریکا و یا اسرائیل چگونه به اطلاعات دقیق مربوط به سفر او به سوریه و بغداد و ساعت پرواز هواپیمای او و فرود آن در فرودگاه بغداد و اتومبیلی که او را از فرودگاه بغداد خارج کرده دست پیدا کرده بودند؟ جز از درون حساس‌ترین و محرمانه‌ترین نهادهای امنیتی چنین اطلاعاتی می‌توانست درز کند؟

طی دو روز گذشته مقام‌های جمهوری اسلامی از گرفتن «انتقام سخت» و برخورد شدید با عاملان این حادثه سخن به میان آورده‌اند، با این حال هنوز مشخص نیست که چه فرد یا گروهی عامل این حادثه بوده است. برخی از مقامات انگشت اتهام را به سوی اسرائیل نشانه رفتند که ادعا می‌شود در ترورهای قبلی دانشمندان هسته‌ای ایران دست داشته‌است.

در آن ترورها که در دوره دولت محمود احمدی‌نژاد اتفاق افتاد، داریوش رضائی‌نژاد، مجید شهریاری، مسعود علی محمدی، مصطفی احمدی‌روشن و فریدون دوانی هدف سوءقصد قرار گرفتند که چهار نفر نخست کشته شدند ولی نفر پنجم مجروح شد که بعد از بهبودی به ریاست سازمان انرژی اتمی ایران رسید.

رسانه‌های ایران مدعی هستند که او به مدت سه دهه در فهرست ترور سازمان جاسوسی اسرائیل، موساد، بوده است.

محسن فخری‌زاده مهابادی در ۱۳۳۶ خورشیدی متولد تهران است. او عضو ارشد سابق سپاه پاسداران جمهوری اسلامی و معاون وزیر دفاع و ریاست سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع را بر عهده داشت.

فخری زاده در سال‌های گذشته با قرار دادن خودروی حاوی مواد منفجره در اطراف محل سکونت خود و خانواده‌اش مورد ترور قرار گرفته بود که این تلاش‌ها ناکام مانده بود.

اوایل ۱۳۹۷ خورشیدی منابع اسرائیلی اعلام کرده بودند که سازمان جاسوسی اسرائیل «موساد» تلاش کرده یک دانشمند هسته‌ای ایران را ترور کند اما عملیات او موفق نبوده است در این خصوص وبگاه واللا نیوز گزارش داد، عوامل موساد پیش‌تر تلاش کرده‌اند یک دانشمند هسته‌ای ایرانی به نام «محسن فخری‌زاده مهابادی» را ترور کنند. این وبگاه اذعان کرده بود، تمام دانشمندان هسته‌ای ایرانی که پیش‌تر ترور شدند یا سوءقصدی علیه جان آن‌ها انجام گرفته، عملیات آن توسط عاملین موساد اجرا شده است.

سرانجام رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع (سپند) ظهر جمعه در جریان یک عملیات پیچیده با تیم حفاظتی‌اش مجروح شد و در بیمارستان درگذشت. فخری‌زاده در فهرست تحریم‌های شورای امنیت قرار داشت. در نخستین اعتراف از سوی یک مقام جمهوری اسلامی ایران، علی جنتی وزیر پیشین ارشاد و فرزند آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان تاکید کرد زمان آن رسیده که مسؤولان امنیتی کشور بعد از ترور محسن فخری‌زاده «دانشمند برجسته» هسته‌ای و رئیس سازمان پژوهش و نوآوری‌های وزارت دفاع، دست به اقدام بزنند به‌ویژه که عملیات ترور شخصیت‌های علمی و سرقت اسناد به کلی محرمانه، تکرار شده است.

او افزود: «با توجه به حضور فعال رژیم صهیونیستی و ترورهای مکرر شخصیت‌های علمی و سرقت اسناد به کلی سری کشور، اکنون زمان آن فرارسیده است که مقامات امنیتی کشور دریابند که خطر نفوذ اهریمنی اسرائیل، جدی است و برای آن تدبیری بیندیشند.»

علی جنتی در ادامه توثیق خود تاکید کرد که از دست‌دادن فخری‌زاده، خسارتی جبران ناپذیر برای جامعه علمی کشور بود.

حسین علایی از فرماندهان پیشین سپاه پاسداران نیز اقرار کرده که شیوه ترور فخری‌زاده رئیس سازمان پژوهش و نوآوری در وزارت دفاع نشان می‌دهد که ساختار عملیاتی اسرائیل در ایران فوق‌العاده پیشرفته و متکی بر اطلاعات دقیق است.

شریعتمداری خامنه‌ای در روزنامه کیهان در یادداشت روز یکشنبه ۲۹ نوامبر ۲۰۲۰ با تیتراژ دست بر ماشه‌ای بازدارنده (یادداشت روز) نوشت: «باید در یک حمله واقعی، شهر مهم بندری حیفا را آن‌چنان مورد حمله قرار دهد» که به گفته این روزنامه «علاوه بر تاسیسات، با تلفات سنگین انسانی نیز توأم باشد.» سرمقاله‌نویس روزنامه کیهان در عین حال تنها راه به نوشته او «بازدارندگی» از موارد بعدی را «اجرای دقیق و هوشمند» این عملیات نظامی علیه اسرائیل توصیف کرد.

شریعتمداری که شخصا رابطه بسیار نزدیکی با خود خامنه‌ای و فرماندهان سپاه و سایر نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی دارد باید دید که این موضعش چه تاثیری خواهد داشت؟

در پایان می‌توان این سؤال مهم مطرح است که تیم ترور از کجا می‌دانسته فخری‌زاده روز جمعه به شهر رستم کلا می‌رود؟ و چگونه و از چه طریق از زمان و مسیر بازگشت او از رستم کلا اطلاع داشته است؟

یک اتهام ثابتی که قوه قضائیه جمهوری اسلامی به فعالین سیاسی و فرهنگی و اجتماعی دستگیر شده می‌زند این است که «امنیت ملی را به خطر انداخته‌اید.» در واقع آن‌هائی امنیت ملی را به خطر می‌اندازند که در نهادهائی رخنه کرده و حضور دارند که قادرند ساعت دقیق پرواز و محل فرود هواپیمای قاسم سلیمانی را به اسرائیل و امریکا اطلاع بدهند و از مسیر حرکت اتومبیل فخری‌زاده اطلاع دقیق داشته و ترتیب ترور او را بدهند، به درون

سایت اتمی نطنز راه داشته باشند و... نه تنها این، بلکه از شمار گارد حراست فخری‌زاده نیز اطلاع داشته و مجهز به اتومبیل انفجاری و مسلسل و در یک تیم چند نفره به اتومبیل او حمله کنند.

بر اساس یک گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، فخری‌زاده مدیریت یک برنامه پنهانی تسلیحاتی هسته‌ای را، که ایران آن را در دهه ۸۰ میلادی آغاز و ظاهراً در سال ۲۰۰۳ متوقف کرده بود، بر عهده داشت.

محسن فخری‌زاده مهابادی در ۱۳۳۶ خورشیدی متولد تهران است. او عضو ارشد سابق سپاه پاسداران جمهوری اسلامی و معاون وزیر دفاع و ریاست سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع را بر عهده داشت.

فخری‌زاده در سال‌های گذشته با قرار دادن خودروی حاوی مواد منفجره در اطراف محل سکونت خود و خانواده‌اش مورد ترور قرار گرفته بود که این تلاش‌ها ناکام مانده بود.

اوایل ۱۳۹۷ خورشیدی منابع اسرائیلی اعلام کرده بودند که سازمان جاسوسی اسرائیل «موساد» تلاش کرده یک دانشمند هسته‌ای ایران را ترور کند اما عملیات او موفق نبوده است در این خصوص وبگاه واللا نیوز گزارش داد، عوامل موساد پیش‌تر تلاش کرده‌اند یک دانشمند هسته‌ای ایرانی به نام «محسن فخری‌زاده مهابادی» را ترور کنند.

این وبگاه اذعان کرده بود، تمام دانشمندان هسته‌ای ایرانی که پیش‌تر ترور شدند یا سوءقصدی علیه جان آن‌ها انجام گرفته، عملیات آن توسط عاملین موساد اجرا شده است.

سرانجام رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع (سپند) ظهر جمعه در جریان یک عملیات پیچیده با تیم حفاظتی‌اش مجروح شد و در بیمارستان درگذشت. فخری‌زاده در فهرست تحریم‌های شورای امنیت قرار داشت.

نحوه ترور فخری‌زاده بسیار متفاوت از ترورهای قبلی بود. چسباندن بمب مغناطیسی به در خودرو یا انفجار بمب کنترل از راه دور شیوه‌ای است که اغلب اسرائیل برای ترور دانشمندان هسته‌ای ایران استفاده کرده است. اما نوع اجرای عملیات ترور محسن فخری‌زاده متفاوت از سایرین اجرا شده است. انفجار یک نیسان متوقف شده در مسیر عبوری خودروی حامل فخری‌زاده و کمین کردن عاملان در آن محل را می‌توان اقدامی در جهت تحریک هرچه بیش‌تر جمهوری اسلامی ایران برای پاسخ سخت به اسرائیل و دیگر اهداف احتمالی منطقه‌ای دانست.

رسانه‌های امریکائی پیش‌تر از نشستی در کاخ سفید برای انجام حملات محدود علیه تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در مدت زمان باقی مانده از دولت ترمپ خبر داده بود.

پس از انتشار این خبر، وزیر خارجه امریکا در واپسین روزهای دولت امریکا عازم منطقه شد و به کشورهای عربی و اسرائیل سفر کرد. گفته می‌شود مایک پمپئو در شهر نیوم عربستان در دیداری محرمانه با بن سلمان ولیعهد این کشور و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل گفت‌وگوهائی داشته است.

ایران یکی از محورهای اصلی این دیدار عنوان شده است. سفر مایک پمپئو به دو کشور ترکیه و قطر در میانه این تور منطقه‌ای نیز حائز اهمیت است چرا که دو پایگاه نظامی امریکا در این دو کشور قرار دارند. همچنین ارسال بمب‌افکن‌های امریکائی B52 به خاورمیانه را از دیگر نشانه‌های احتمال اقدام علیه ایران عنوان می‌کنند. نشانه‌هائی که همگی از فعال شدن آرایش نظامی امریکا و متحدانش در منطقه علیه ایران حکایت می‌کنند.

اکنون برای جناح‌ها و نهادها و سران و مقامات جمهوری اسلامی ایران سرپوش گذاشتن روی «حفره بزرگ اطلاعاتی» سخت‌تر از گذشته شده است.

بعد از این ترور مخالفان مذاکرات و توافق هسته‌ای ایران، درگیری جناحی شدت یافته و تقریباً مقامات و مسئولین و نهادهای امنیتی به همدیگر اعتماد ندارند. اکنون اصول‌گرایان دولت شیخ حسن روحانی را متهم کردند که با نشان دادن نرمش بیش از حد در برابر «دشمنان» زمینه چنین اتفاقاتی را فراهم کرده و خواهان «انتقام سخت» شدند.

اکنون باید منتظر باشیم و ببینیم که جمهوری اسلامی ایران در این شرایط چه عکس‌العملی نشان خواهد داد؟! اگر هم دست‌شان به اسرائیل نرسد احتمالاً فاجعه دیگری همانند فاجعه پس از کشته شدن پاسدار قاسم سلیمانی سپاه پاسداران آفرید. پرواز شماره ۷۵۲ با ۱۷۶ سرنشین صبح روز چهارشنبه ۸ ژانویه ۲۰۲۰ از تهران به مقصد کئیف از فرودگاه امام خمینی در جنوب تهران برخاست و هفت دقیقه بعد با شلیک پدافند هوایی ایران در غرب این شهر ساقط شد و تمامی سرنشینان این هواپیما جان باختند. و بدین ترتیب جمهوری اسلامی «انتقام سخت» خود را از امریکا گرفت!

اکنون باید هر لحظه منتظر شنیدن خبرهای ناگواری باشیم!

یکشنبه نهم آذر [قوس] ۱۳۹۹ - بیست و نهم نومبر ۲۰۲۰